



حجت الاسلام والمسلمین صالحی:

مسئله این است؛ پرداخت هزینه برای کرسی آزاد اندیشی یا کنسرت؟

صفحه ۳

حجت الاسلام والمسلمین درایتی:
آیا مشهد از بقیه کشور جداست؟

صفحه ۸

فرا رسیدن ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر تسلیت و تعزیت باد.

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال سوم / شماره بیست و دوم / نیمه اول مهر ۱۳۹۰

مخمسه



حسین محمد دوست
فارغ التحصیل اندیشه سیاسی و حقوق

«مخمسه» را در لغت نامه «رنج»، «زحمت» و «گرفتاری» معنا کرده اند اما چه شده است که امروز ما از این لفظ برای توصیف وضعیت فرهنگی شهرمان مشهد مدد جستجویم؟

۱- آیت الله شیخ هاشم قزوینی از بزرگان حوزه علمیه مشهد در عصر پهلوی اول و دوم بود. او شاگردان زیادی داشت. آیات عظامی هم چون آیت الله خامنه ای و آیت الله سیستانی از شاگردان مبرز او بودند. چند سال پیش رهبر انقلاب در بیاناتی به مناسبت بزرگداشت شیخ هاشم قزوینی فرمودند: «خصوصیت دیگر ایشان روشنفکر بودن او بود. این را ما در مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی هم دیدیم. آن وقت خواندن روزنامه و مجله و اینها بین طلاب و بین علما هیچ معمول نبود، مطلقاً اصلاً به فکر نمی افتادند. یک مقدار هم عیب محسوب می شد. یعنی واقعاً اگر طلبه ای روزنامه به دست می آمد در مدرسه، به خصوص اگر مجله ای بود که پشت مجله ها هم معمولاً عکس های زن سربرهنه بود، این واقعاً یک قبیح بزرگی محسوب می شد. در این فضا مرحوم آقا شیخ هاشم از حرم برمی گشتند یک مجله می خریدند.» در شرایط بسته آن روز که روزنامه خواندن نماد روشنفکری محسوب می شد و فعلی قبیح شمرده می شد این فقیه روشنفکر بدون توجه به جو منفی علیه خود، آنچه درست می دانست انجام می داد و در زمینه فرهنگی و سیاسی سدشکن و ثابت قدم بود. آن روزها اگر شیخ هاشم در صف اول مبارزه با پهلوی اول بود و مبارزه ای سلیبی می کرد (وی از اولین روحانیونی بود که در تلگرافی به رضاشاه عواقب کشف حجاب را به وی متذکر شد) دست از مبارزه فرهنگی برنمی داشت و ایجاباً راهگشا بود.

۲- در روزهای گذشته بحث پیرامون اجرای زنده موسیقی یا همان کنسرت نه تنها بحث روز مردم در کوچه پس کوچه های مشهد بود بلکه به خبر اول فرهنگی کشور نیز تبدیل شد. عده ای از صاحب نظران که موافق فضای ایجاد شده علیه موسیقی و کنسرت بودند با تحلیلی جالب به اولویت نداشتن بحث موسیقی و کنسرت در مطالبات و نیازهای مردم اشاره می کردند و معتقد بودند که مگر مشکلات اقتصادی مردم حل شده است که شما دم از ساز و آواز می زنید؟ در پاسخ، ایشان را باید به تحلیل قابل تأمل رهبری رهنمون کرد، آنجا که گفته اند: «فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثاری دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است.» موسیقی و مسائل مبتلابه آن نظیر کنسرت از جمله مصادیق امور فرهنگی هستند که بسان اکسیژن در هوا جاری و ساری هستند. می توان هوا را از آلودگی زدود اما نمی توان با پاک کردن صورت مسأله، اکسیژن را از بین برد.

۳- دانشگاه فردوسی به عنوان نماد فرهنگی شهر مشهد تاکنون در زمینه موسیقی و اجرای زنده موسیقی اقدامات جالب توجهی انجام داده است که علی رغم پرداخت هزینه هایی توانسته است دستاوردهای مثبتی کسب کند. اجرای دست کم ۵ برنامه زنده موسیقی از سال ۹۳ به این سو در پردیس دانشگاه فردوسی با تمهیدات ویژه ای (فارغ از آنکه درست باشد یا غلط) که در نظر گرفته شد می تواند الگوی موفق برای مسئولان شهری باشد. با توجه به تصریح امام جمعه محترم مشهد مبنی بر مخالفت با حاشیه های کنسرت و نه اصل کنسرت، تمهیداتی نظیر اجرای زنده برای آقایان و خانم ها در دو سانس جداگانه و یا تأکید ویژه بر اجرای موسیقی سنتی از جمله اقدامات راهگشا در شرایط امروز می تواند باشد. امید است که علی جنتی کاپیتان فرهنگی دولت یازدهم از این «مخمسه» سربلند بیرون آید.

۴- «وقایع اتفاقیه» پیرو تلاش خود برای تفسیر و تحلیل همه جانبه و منصفانه خود از این پیشامد، مطالب متنوع و مختلفی را تدارک دیده است. باشد که مؤثر واقع شود.

نگاه ویژه:

مخمسه

درباره اوضاع فرهنگی مشهد



دری نجف آبادی: خودسرانه زندانیان را به کهریزک بردند!

آیت الله دری نجف آبادی اعلام کرد: در سال ۸۸ به عنوان دادستان کل کشور، مخالف انتقال زندانیان به کهریزک بودم و پافشاری کردم که این کار انجام نشود. نماینده ولی فقیه در استان مرکزی و امام جمعه اراک شامگاه پنجشنبه در گردهمایی روحانیون شهرستان خمینی شهر اصفهان افزود: امروز بعضی افراد دخیل در قضیه کهریزک بعد از ۷ سال اعلام می کنند که ما توبه کردیم اما توبه آن ها دیگر اثری ندارد زیرا زیانهای سنگینی برای کشور داشته است. وی ادامه داد: این غفلت باعث شد تمام دنیا علیه نظام ما معرکه بگیرند، علیه ما توطئه کنند و قانون تصویب نمایند. آیت الله قربانعلی دری نجف آبادی گفت: در سال ۸۸ در قضیه زندان کهریزک صددرصد مخالف بعضی از اعمال و رفتار مسئولان وقت بودم و در آن زمان به عنوان دادستان کل کشور دستور دادم که انتقال زندانیان صورت نگیرد و حتی آقای اژه ای و دیگران نیز مخالفت خود را در این موضوع اعلام کردند ولی آن ها خودسرانه دست به این حرکت غلط زدند. حالا بعد از ۷ سال اعلام می کنند که اشتباه کرده ایم. آیت الله دری نجف آبادی بیان داشت: بعضی مواقع به خاطر اشتباه و کار غلط یک فرد ۸۰ میلیون جمعیت زیر سؤال می روند. وی ادامه داد: یک اشتباه، آثار سوء زیادی را به همراه دارد و ممکن است از یکسو برای کشور و نظام زحمت ایجاد نماید و از دیگر سو، موجب استفاده سوء دشمنان شود.



محوطه بیرونی بازداشتگاه

قراردادهای جدید نفتی، خدمت یا خیانت؟!



فرنام شکیبافر
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵

به اذعان طیف عظیمی از کارشناسان «برجام» را می توان توافقی کم نظیر و شاهکاری در عرصه حقوق بین الملل به حساب آورد که در پی حصول به آن، خطرات بزرگی از سر کشور گذشت و بستر لازم (لیکن نه کافی) برای عبور از بحران های متعدد فراهم آمد. در عین حال و خصوصاً طی یک سال اخیر همانگونه که بسیار در باب آن سخن رفته، فضای پساربرجام به قدر کفایت پاسخگوی انتظارات و توقعات نبوده است. امری که البته بخش عمده آن ناشی از مدت زمان کوتاهی است که از انعقاد این توافق می گذرد؛ لیکن از نقش مشکلات و موانع ساختاری و فنی (که از بیابانی به برجام ندارند) نیز در این امر نباید غفلت ورزید.

در همین راستا انعقاد قراردادهای جدید نفتی را باید گامی بزرگ، ارزشمند و کاملاً منطبق با قوانین، منافع و امنیت کشور به حساب آورد. گامی که در جهت حل موانعی فنی و ساختاری در حوزه توسعه میادین هیدروکربوری (بنا اولویت میادین مشترک) و طی فرایندها و تصمیم سازی های کارشناسی شده وزارت نفت در دوره تصدی وزیر کاردان و خردمند فعلی این وزارتخانه برداشته شده است. البته طبق معمول سه سال اخیر و همانند سایر اقدامات بزرگ قوه مجریه نخبه گرایی فعلی کشور آماج پاره های مخالفت های غیر کارشناسی و غرض ورزانه عناصر بی توجه به منافع ملی قرار گرفته است، یعنی عمدتاً همان کسانی که حامی یا دست انداز سیاست های دولت پیشین در این حوزه بودند. شایان ذکر است که در دوره احمدی نژاد میزان تولید تا زیر یک میلیون بشکه نیز نزول کرد. لذا ضرورت دارد در زمینه قراردادهای نفتی جدید روشننگری صورت گیرد تا ابعاد نافع قراردادهای مذکور در نظر جامعه زیر آوار حجم سنگین تخریبها مدفون نگردد.

با نگاهی مختصر به شرایط کنونی این حوزه پرواضح است که شکافی محسوس میان اهداف از پیش تعیین شده در اسناد بالادستی با وضعیت موجود صنعت نفت وجود دارد. یکی از موانع خروج از وضعیت نامطلوب موجود در این حوزه به ساختار نامناسب قراردادهای بالادستی این صنعت مربوط می شود. در اثر تجارب انباشته و حاصله از سه نسل قراردادهای بیع متقابل و نیز در پی تغییر شرایط و محیط بین المللی صنعت نفت از جمله نوسان شدید قیمت نفت، ظهور منابع نامتعرفه گسترش انرژی های جایگزین و تجدیدنظر و بازنگری در ساختار قراردادهای پیشین امری ضروری و اجتناب ناپذیر بود که این بازنگری به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. قراردادهای پیشین فاقد چارچوب حقوقی، مالی و فنی مناسب برای تأمین منافع ملی در این

عراق دوازده میدان نفتی مشترک دارند. دری قراردادهای جدید امید می رود جلوی ضرر بیشتر گرفته شده و ظرفیت تولید تا سال ۱۴۰۰ به حدود ۴.۵ میلیون بشکه بالغ گردد. در این راستا قراردادهای جدید نفتی نه یک انتخاب بلکه یک الزام بود و قطعاً به تأیید عالی ترین سطوح نظام سیاسی نیز رسیده است؛ لذا حرف و حدیث های برخی افراد که کاسه داغ تر از آش شده و از مارتین لوتر پروتستان تر شده اند بی مورد و ناپجا است. در شرایط فعلی و به اقتضای منافع عالیه میهن نیاز مبرمی به ازدیاد برداشت و افزایش ضریب بازپافت در اکثر میادین و علی الخصوص بیست و پنج میدان مشترک ایران و کشورهای نظیر قطر، عراق عربستان سعودی، امارات و... وجود داشت که نیل به آن جز در سایه جلب و جذب تکنولوژی و سرمایه گذاری خارجی (به علت ۲۵۰ میلیارد دلار کسری جمعیتی سرمایه گذاری در این حوزه) از دایره ممکنات خارج بود. لذا دولت می بایست با در نظر گرفتن شرایطی و تدوین چارچوب های قراردادی جدید میزبان ریسک پذیری را در راستای ورود شرکت های خارجی به این حوزه کاهش می داد و به عنوان مثال در یکی از ابعاد چنین کاهش ریسکی، ریسک نوسان قیمت طی قراردادهای جدید بین طرفین توزیع گردید.

حوزه در شرایط فعلی جهان و ایران بودند. منافع استراتژیک وطنی اقتضا می کند تولید نفت ما از همسایگان جنوب و جنوب غربی مان عقب نباشد و بیش از این سهممان در عرصه بازارهای جهانی نقصان نیابد تا تقویت اقتصاد ملی و بازسازی قدرت ملی سال های دور میسر گردد. در چشم انداز بیست ساله صنعت نفت آمده بود که میزان تولید ما باید همواره حداقل به میزان نصف تولید عربستان سعودی و دست کم یک میلیون بشکه بیش از عراق باشد. امری که متأسفانه بین سالهای ۸۴ تا ۹۲ نه تنها محقق نشد بلکه وضعیت بسیار اسفباری پیدا نمود که زبان از تصویر کردن ابعاد وسیع آن به غایت قاصر است. در دولت نهم و دهم بود که بخش عمده عواید میادین مشترک نفتی در دیس زمین به سایر کشورهای منطقه تقدیم شد! به طوری که یکی از کشورهای کوچک همجوار با درآمدهای حاصل از یکی از این میادین مشترک طی سال های آتی جام جهانی فوتبال را میزبانی خواهد کرد. همان کشوری که بخش قابل توجهی از همین منابع را طی رقابت های منطقه صرف ضربه وارد کرده به ایران می نماید. تولید نفت عراق یکی دیگر از کشورهای همجوار نیز به زودی از پنج میلیون بشکه نیز فراتر خواهد رفت و این در حالی خواهد بود که ایران

بر اساس قراردادهای جدید وزارت نفت با تعیین نرخ بازگشت سرمایه سود پیمانکار را مشخص نموده و با تعریف بازای بیست ساله، بستر را برای افزایش انگیزه پیمانکار خارجی برای به کارگیری بلندمدت تکنولوژی نوین تر و سرمایه گذاری افزون تر فراهم آورده است. بدین ترتیب پاداش پیمانکار به میزان تولید میدان نفتی و گازی متصل می شود. در پاسخ به این انتقاد که قراردادهای جدید شرکت های ایرانی سر نوشت نامطلوبی پیدا خواهند کرد، اتفاقاً و از قضا باید گفت در قراردادهای جدید ضوابطی تعبیه گشته است که باعث مشارکت شرکت های ایرانی با پیمانکار خارجی شده و زمینه توانمندسازی شرکت های ایرانی فراهم آمده است. همچنین بر خلاف تمام چارچوب های قراردادی پیشین طی قراردادهای جدید شرکت های ایرانی حتی می توانند لیدر یک پروژه گردند. بر اساس چارچوب حقوقی و قراردادی جدید هر شرکت خارجی که خواهان بستن قرارداد با شرکت ملی نفت ایران باشد ضرورتاً ملزم است که حداقل با یک شرکت ایرانی شراکت و همکاری نماید. لذا این انتقاد محوری آن دسته از کسانی که در زمان مطلوب نظرشان «دکل نفتی گم می شد» و «جایگاه نفتی غرق می شد» نیز به روشنی محلی از اعراب ندارد.

گفتارها



محمد رضا عارف:

عذرخواهی مرتضوی دیر هنگام بود.



جواد ظریف:

با امریکا روابط عاشقانه نداریم.



آیت الله علم الهدی:

کجا برجام جلوی جنگ را گرفت؟



سعید جلیلی:

امروز اقتصاد در محاصره ستون پنجمی است که بیش تر از تحریمها به کشور لطمه می زند.



حمید رسایی:

امیدوارم احمدی نژاد به نظر رهبری عمل کند.



قاسم سلیمانی:

هر کسی دشمن را دوست جلوه دهد خیانت کرده است.

توضیح

در شماره بیستم نشریه یادداشتی با عنوان «آن سبو بشکست و آن پیمانانه ریخت» به چاپ رسید که شامل عباراتی متضمن ضرب المثل های ادبیات فارسی بود. متأسفانه عبارات مذکور منجر به سوء برداشت عده ای شد. وقایع اتفاقیه ضمن تأکید بر مشی اعتدالی و مستقل خود معتقد است که اگر این جملات به کار نمی رفت پسندیده تر بود.

از حقوق نجومی تا مسکن نجومی!

نجومی توسط شهرداری از نکات جالب توجه بود. این در حالی بود که بعد از انتشار اخبار فیش های حقوقی، چهره ها و رسانه های اصولگرا بسیار به این موضوع پرداختند و بر روی آن متمرکز شده بودند. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که با وقوع این فسادها در سپهر سیاسی کشور، جامعه سرمایه های اجتماعی خود را از دست می دهد و اعتماد مردم به دستگاه های دولتی از بین می رود که آثار مخربی را در پی خواهد داشت. حال سؤالی که بعد از این دو اتفاق برای همگان ایجاد شده این است که آیا در نظام اداری کشور نهاد نظارتی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد این خبرهای مربوط به فسادهای مالی در دستگاه های دولتی و شهرداری نشان دهنده وجود فساد در خود همین دستگاه های نظارتی نیست؟



سجاد نامور
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

انتشار خبر تخفیف های کلان شهرداری تهران در فروش برخی املاک و مستقالات، چندی است که برخی مدعیان راستگو مبارزه با فساد اقتصادی را به جنب و جوش برای فرار از پاسخگویی در قبال مسئولیت شان انداخته است. برخی از همین افراد پیش تر در قبال افشای حقوق های نجومی مدیرعامل سابق صندوق توسعه ملی و برخی دیگر از مدیران وابسته به دولت، چنان نگران تضییع حقوق مردم شدند که این سطح نگرانی هیچگاه از ایشان در قبال فسادهای کلان تر و حتی در حد حیف و میل ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی سال های طلایی نفت بشکافد، ۱۴۰ و ۱۵۰ دلار مشاهده نشد.

قطعاً محتوای هر دو مورد اخیر مرتبط با منافع مردمی است که دلواپسان حقوق ملت، مدعی نمایندگی آنها هستند اما از یک جنبه هم این دو پرونده ماهیتی متفاوت دارند که لازم است توجه کافی به آن مبذول گردد. این ماهیت متفاوت به جایگاه ذی نفعان دو پرونده در قبال سازمان پرداخت کننده حقوق یا ارائه کننده تخفیف ها باز می گردد. در پرونده حقوق های نجومی، مبالغی تحت عنوان حقوق و مزایا، پاداش، وام کم بهره و... به برخی وابستگان دولت پرداخت شده که این مبالغ به لحاظ عرفی، فراتر از سقف جریان هزینه خدمت کارکنان دولت بوده است. در پرونده تخفیف های نجومی هم رویه ای مشابه و البته این بار در قالب اعطاء تخفیف قیمت فروش املاک به برخی اعضای شورای شهر و چند خبرنگار خاص و... اعمال شده است. هر دو این پرداخت ها می توانند از جنبه های مختلف متشابه یا متفاوت باشند لیکن حقوق های نجومی توسط دولت به بخشی از کارگزارانش صورت گرفته که گرچه از لحاظ مبلغ در بازه مورد پذیرش عموم مردم و عرف جامعه نیست اما از لحاظ ماهیت و آنکه یک دولت موظف است در ازاء جبران

رهبرانقلاب: موسیقی غرب در مسیر بهتری از موسیقی شرق



آیت الله خامنه‌ای دو دهه پیش در جریان بازدید از صدا و سیما و پس از اجرای موسیقی توسط ارکستر صدا و سیما فرمودند: «می دانید که من به طور طبیعی از جمله آدم های غرب ستیزم. چنانکه هیچ ویژگی غرب، مرا مبهوت و مجذوب نمی کند. در عین حال، ویژگی های مثبت غرب را از روی محاسبه، تأیید می کنم. یکی از آن ویژگی ها، مقوله موسیقی است. درست است که در غرب، موسیقی های منحط وجود دارد. اما در همان نقطه از جهان، از دیر باز موسیقی های آموزنده و معنا دار هم بوده است؛ موسیقی ای که برای گوش سپردن به آن، انسان عارف واقف خردمند، می تواند بلیت تهیه کند، در سالن اجرای کنسرت بنشیند و ساعتی، از آن لذت ببرد. در غرب موسیقی هایی که گاهی یک ملت را نجات داده و گاهی یک مجموعه فکری را به سمت صحیح هدایت کرده، کم نبوده است. غرب برخوردار از چنین ویژگی ای نیز بوده و هست. در شرق که راجع به آن گفتم (یعنی در محدوده جغرافیایی مورد اشاره) متأسفانه موسیقی از چنین اعتبار و جایگاهی برخوردار نبوده است. موسیقی در این جا عبارت از آهنگ ها و آلات و ادوات لهو بوده؛ که فقها از آن به موسیقی لهوی حرام تعبیر کرده اند. فرض بفرمایید فلان خلیفه، شب دچار بی خوابی می شده است. موسیقی دان ها همراه با کنیزکان مغنی، بایستی می آمدند تا اسباب طرب او را فراهم کنند.»

حجت الاسلام و المسلمین صالحی در گفتگو با وقایع اتفاقیه:

مسئله این است؛ پرداخت هزینه برای کرسی آزاداندیشی یا کنسرت؟!



کنیم این مطلب در خصوص کارکرد موسیقی است.

اما مقوله کنسرت، متأسفانه امروز بحث برگزاری کنسرت در سطح کشور به نظر می رسد به بحثی سیاسی و جدلی تبدیل شده است. معتقدم که در شرایط امروز فرهنگی کشور کنسرت نمی تواند به عنوان یک شاخص فرهنگی قرار گیرد. این نحوه از بحث، ما را از واقعیت های فرهنگی دور می کند. امروز متأسفانه طبق گفته خود وزیر ارشاد مطالبه اصلی و اساسی برخی افراد از وزارت ارشاد فقط برگزاری کنسرت شده است. هرچند من معتقدم موسیقی بدون حواشی و با رعایت ضوابط شرعی و قوانین در جامعه ما می تواند آثار سازنده ای داشته باشد.

با این توضیحات چه ملاحظاتی را باید در نظر داشت تا به برگزاری موفق کنسرت در سطح شهر مشهد امید داشت؟

چنانچه گفته شد مسئله اصلی در برگزاری کنسرت ملاحظه حواشی آن است، در سطح کلان خود هنرمندان نیز باید در قضیه اجرای کنسرت ها دغدغه این مسائل را داشته باشند والا هنر و موسیقی در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال اگر یک هنرمندی که چهره بارز موسیقی است، بگوید که مساله مخالفت با موسیقی مشکل ۱۴۰۰ ساله است، این حرف بسیار خطرناکی است که ضمن دامن زدن به حواشی، به هنر متعهد و متعالی نیز خدشه وارد خواهد کرد. به نظر من برخی هنرمندان باید نسبت به این حرف همانطور که نسبت به رفتارهای منتقدین در رابطه با کنسرت واکنش نشان می دهند، عکس العمل نشان دهند. وزیر محترم ارشاد ابراز داشته اند که عمده منتقدین کنسرت با حواشی آن مخالفت دارند.

با این وجود مرجع تصمیم گیری نسبت به برگزاری کنسرت در شهر مقدس مشهد شورای فرهنگ عمومی می باشد. ظاهراً وزیر محترم ارشاد هم بیان داشته اند که در مشهد کنسرت برگزار نمی گردد.

است. شاید شما برسید آیا این نگاه که کلاس موسیقی نباشد اما از موسیقی استفاده کرد با هدف تکریم موسیقی قابل جمع است یا خیر. باید بگویم به نظر من قابل جمع است. هم اکنون در ضمن برنامه های مناسبی و فرهنگی داخل دانشگاه از اجرای زنده موسیقی دانشجویان استفاده می شود که می توان گفت اصطلاحاً ساز موسیقی بچه های دانشگاه فردوسی کوک است.

جناب صالحی نظر کلی شما پیرامون موسیقی و برگزاری کنسرت در سطح کلان و ورای دانشگاه چیست؟

اصولاً موسیقی ابزاری است که ما برای هویت دینی، ملی و انقلابی مان از آن طی تاریخ استفاده کرده ایم. موسیقی کارکرد کمی در نشر دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نداشته است. در حال حاضر نیز اگر بخواهیم یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را برای جوانان خود باورپذیرتر کنیم که احساس غرور را برانگیزاند می توان از موسیقی استفاده

دانشگاه می پردازد معین می گردد. خوشبختانه طی تغییراتی که ایجاد شده مقرر گشته است این شورا برای برنامه های موسیقایی از افرادی که موسیقی را نیز می شناسند بهره بگیرد تا تصمیمات کارشناسی تری اتخاذ کند.

با این تفاسیر برنامه تجلیل از استاد حسین علیزاده که همراه با اجرای زنده توسط ایشان بود در چه قالبی می گنجد؟

استاد علیزاده به خصوص با افتخاری که ایشان در رد نشان شوالیه فرانسه آفرید چهره بارز موسیقی اصیل ایرانی و وفادار به ارزش های ایرانی اسلامی است که وفاداری اش را به ملیت و دین و مذهبش نشان داد. برنامه ای تجلیل از استاد حسین علیزاده در واقع تجلیل از چنین موسیقی فاخر ایرانی بود.

در مورد برگزاری کلاس های موسیقی در دانشگاه چطور؟

طبق ابلاغیه وزیر محترم علوم اجرای کنسرت در دانشگاه ها و برگزاری کلاس موسیقی در دانشگاه هایی که رشته هنر ندارند ممنوع

تیرهای برگزیده

استاد علیزاده به خصوص با افتخاری که ایشان در رد نشان شوالیه فرانسه آفرید چهره بارز موسیقی اصیل ایرانی و وفادار به ارزش های ایرانی اسلامی است. خود هنرمندان نیز باید در قضیه اجرای کنسرت ها دغدغه حواشی را داشته باشند والا هنر و موسیقی در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

مهديه ياوري
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳



پیش مصاحبه: «اولین مصاحبه با نشریه وقایع اتفاقیه که از نشریات مهم دانشگاه است را به فال نیک می گیرم» گفتار آغازین حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی صالحی، مسئول نهاد نمایندگی رهبری در پنجمین سال مسئولیتشان است. استاد حوزه و دانشگاه که پس از رایزنی های مقدماتی در بعدازظهر یک پنج شنبه گرم، زمانی که تمامی کارمندان اداره رفته بودند با حوصله به سوالات مختلف ما پاسخ داد. سوالات ما در حوزه های گوناگونی پرسیده شد که به فراخور نگاه ویژه این شماره نشریه، مباحث مرتبط با فضای فرهنگی دانشگاه و شهر مشهد را در ادامه می خوانید. در انتها از خانم فریبا قاسم زاده که ما را در پیاده سازی این گفتگو یاری دادند سپاسگزاری می کنیم.

– مناقشه امروز فرهنگی مشهد پیرامون اجرای موسیقی، مناقشه دیروز در دانشگاه فردوسی (اسفند ۹۳) بوده است. اتفاقی که منجر به بازداشت یکروزه معاون فرهنگی دانشگاه فردوسی به علت برگزاری اجرای زنده موسیقی نیز شد. بررسی اجمالی سایت معاونت فرهنگی دانشگاه فردوسی بیانگر برگزاری ۵ اجرای موسیقی از سال ۹۳ تا به امروز بوده که نشان می دهد علیرغم هزینه های داده شده شاهد دستاوردهای مثبتی بوده ایم. به نظر شما که به عنوان یکی از سه نفر عضو هیئت نظارت دانشگاه فردوسی هستید آیا می توان تجربه موفق دانشگاه فردوسی را با تمهیداتی نظیر حمایت ویژه از اجرای موسیقی سنتی یا سیانسی های جداگانه برای آقایان یا خانم ها که در دانشگاه فردوسی اندیشیده شد، در سطح شهر مشهد تکرار کرد؟

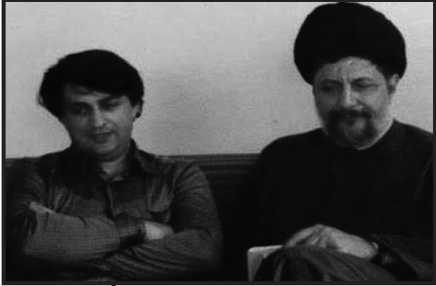
– پیش از هر چیز باید این مساله را بررسی کرد که صرف نظر از هر نوع سلیقه، ضمن به رسمیت شمردن کارکرد فرهنگی موسیقی آیا واقعا مقوله موسیقی در اولویت مسائل فرهنگی دانشگاه قرار دارد که بعنوان اولین سوال از یک مسول فرهنگی دانشگاه پرسیده شود؟! به نظر می رسد این مسئله و بخصوص در قالب کنسرت جزء اولویت های فرهنگی دانشگاهیان نیست و شواهدی در تأیید این مطلب وجود دارد نظیر استقبال عادی و مرسوم دانشجویان در آخرین برگزاری کنسرت در دانشگاه درسالیان گذشته. اما در مورد اجرای کنسرت در سال ۹۳ به نظر من تجربه خیلی موفقی نبود و نشانه اش هم این است که معاون فرهنگی دانشگاه بازداشت شد. هرچند در همان زمان من نسبت به این اقدام نقد داشتم و بازداشت معاون فرهنگی را خلاف مصالح دانشگاه می دانستم گرچه معتقدم دانشگاه نیز می توانست بهتر عمل کند. کاش چنین هزینه هایی در خصوص اولویت های مورد تأکید و اجماع همه نخبگان و فرهیختگان نظیر کرسی های آزاد اندیشی پرداخته می شد نه مسئله ای چون کنسرت. در مورد فضای شهری نیز به نظر می رسد همین مطلب صادق است به گونه ای که برگزاری کنسرت اولویت فرهنگی متن مردم تلقی نمی گردد. البته مساله موسیقی از مساله کنسرت جدا است. موسیقی اگر از آن به شکل ابزاری برای تعالی استفاده شود ارزشمند است. بنده معتقدم استفاده سازنده از موسیقی برای اهداف متعالی و تعظیم شعائر انقلابی جزو سیاست های فرهنگی نظام می باشد.

– اساساً تفاوت اجرای زنده موسیقی و کنسرت چیست؟ و چه مرجعی در دانشگاه در این حوزه تصمیم گیر است؟

– این مساله به لحاظ حقوقی و کارشناسی بر اساس بخشنامه ابلاغی وزیر محترم علوم توسط شورایی سه نفره که به بررسی مسائل موسیقی در

نگاه ویژه

توصیه امام موسی صدر به فراگیری موسیقی کلاسیک



مرحوم دکتر صادق طباطبایی خواهرزاده امام موسی صدر پیرامون دیدگاه این فقیه نواندیش در باب موسیقی گفته اند: «من آموزش موسیقی را در زمانی که در قم هنوز دانش آموز بودم، به توصیه دانی ام امام موسی صدر آغاز کردم. همینجا بگویم که خود ایشان با قواعد موسیقی مقامی ایران کاملاً آشنا بوده و با برخی از اساتید برجسته موسیقی ایرانی دوستی و مراودت داشتند. در سرگذشت و تاریخ موسیقی مقامی ایران از زبان مرحوم روح الله خالقی می‌خوانیم که برجسته ترین مداحان و مرثیه خوانان مذهبی، بهترین حافظان و مدرسان گوشه ها و مقام ها و دستگاههای موسیقی ملی ما بوده اند. روزی امام صدر به من گفتند موسیقی مقامی و دستگاهی ایران دریای بی کران و پر مایه ای است؛ برو یک استاد پیدا کن و آن را نزد او بیاموز. من هم از همان زمان آموزش ردیف آوازی را آغاز کردم.

موسیقی و فقه

عالی و بلند کلام خارج می‌کند و شنونده را میان مضمون عالی شعر و فرم ناهمگون و مبتذل در نوسان نگاه می‌دارد.

در کل باید گفت که تعیین تناسب یا عدم تناسب موسیقی با نشست‌های لهو و لعب بستگی به تأثیر آن در نوع افراد جامعه دارد. به بیان دیگر، تأثیر نوعی موسیقی در افراد جامعه ملاک و معیار لهوی بودن یا نبودن آن خواهد بود، که لهوی نبودن آن برای افراد جامعه موجب جواز پخش آن خواهد بود ولی اگر موسیقی‌ای که برای افراد جامعه، نوعاً لهوی محسوب نمی‌شود، برای شخص خاص جنبه لهوی داشته باشد، گوش‌دادن به آن برای آن شخص جایز نیست؛ زیرا چنانکه بیان شد، حکم دایرمدار لهو است و هر جا لهو صدق کند، حکم بر آن مترتب خواهد بود. در این میان گاه درباره لهوی بودن موسیقی چه برای نوع افراد جامعه و چه برای افراد خاص شک وجود دارد. براساس اصله الحلیت چنین مواردی در نوع موسیقی مجاز داخل خواهد بود. بنابراین درصورت شک در لهوی بودن آن برای نوع افراد جامعه، پخش آن برای عموم جایز و درصورت شک در لهوی بودن آن برای شخص خاص، گوش‌دادن به آن برای وی جایز است.

و رقص زنان و... در مجالس لهو، فسق و فجور و نیز همراه‌بودن با اشعار باطل و سخیف می‌داند. معیار اصلی در حرمت این نوع موسیقی‌ها لهو و باطل بودن آنهاست که این لهو بیشتر در اثر استفاده‌کردن از امور باطل و کلام بیهوده و مبتذل در کنار ارتکاب به دیگر مفاسد و فسوق بوده است. این همراهی با فسق و حرام حتی اگر با کلام باطل نیز همراه نباشد - این امر بیشتر در آن دوران در موسیقی سازی مصداق داشته است - موجب تعیین شکل و فرم موسیقی در یادآوری و تداعی فسق و فساد و حرام می‌شده و انسان را از فضای ذکر و یادآوری معروف و خیر دور می‌کرده است که آن را با عنوان کلی لهو تعبیر کرده‌اند. روشن است که موسیقی به وسیله فرم در امور باطل و منکر، تعیین می‌یابد. اگرچه کلام باطل از آن حذف شود و به بیان دیگر فرم، حاصل و تداعی‌گر امور باطل و منکر و فساد است. نویسنده اشاره‌ای به تأثیرگذاری فرم بر محتوا و ظرف در مظرورف در روایت نخواندن قرآن به شیوه لهوی می‌کند. تأثیر فرم بر محتوا را در برخی موسیقی‌های پاپ که گاه در آن از غزل‌های عارفانه شاعرانی بزرگ استفاده شده، می‌توان دید که در آنها موسیقی را یکسره از محتوای

است. محتوا در موسیقی آوازی در واقع شعری است که به‌شکل آواز با آهنگ و ضرب‌آهنگ خاص خوانده می‌شود. پس تفکیک فرم و محتوا در موسیقی به این مسأله می‌پردازد که عناوین لهو، لغو و باطل در اثر کدام یک از عوامل محتوایی یا فرمی تحقق پیدا می‌کنند؟ فقیه بزرگ شیخ انصاری در بحث تعیین ماهیت غنا آن‌را نه از مقوله کلام، که از مقوله کیفیت صوت می‌داند. آنچه مقوم غناست از مقوله فرم و شکل است. حرمت غنا در زمان صدور روایات به‌دلیل شدت تأثیرگذاری فرم در محتوای موسیقی است به‌گونه‌ای که اگر مضمون و محتوای صحیحی به‌صورت غنای لهوی خوانده شود، مشمول حکم حرمت خواهد بود. این امر تأثیر فرم در محتوا را در تمامی اعضا و به‌طور خاص در موسیقی نشان می‌دهد. چنانچه درباره قرآن که حق مطلق و همیشگی است و محتوایی والا و عالی دارد، اگر به شکل لهوی خوانده شود، از محتوا عاری می‌شود و تأثیری دیگر خواهد داشت.

نویسنده کتاب «تأملی در فقه موسیقی» (سید حمید میرخندان) حرمت موسیقی در روایات و عصر معصومین علیهم السلام را به‌دلیل همراهی آن با مفاسد و گناهان دیگر مانند خوردن شراب



محمد محبی
دکتری علوم سیاسی ۹۲

موسیقی واژه‌ای عربی از ریشه یونانی Mousike است. موزیک از موزا (Musa)، یعنی هر یک از نه الهه اساطیری یونان که حامی هنرهای زیبا بوده‌اند، گرفته شده است. موسیقی به صنعت آهنگ، نغمات، دانش سازها و آوازاها و علم الحان معنا شده است. در منابع اسلامی به لفظ موسیقی اشاره‌ای نشده است (عناوین موجود غناء یعنی بخشی از موسیقی) و آهنگ سازهای موسیقی (آلات الملاحی) است. دو معیار درباره حکم موسیقی در فقه شیعی وجود دارد: اطراب و لهوی بودن

اطراب، ویژه آواز (غنا) است ولی لهوی بودن، بین موسیقی سازی و موسیقی آوازی مشترک است و هر دو ممکن است لهوی باشند. شیخ انصاری (از فقهای متأخر) در کتاب مکاسب، اطراب را در اصل تحقق عنوان غنا (به‌مثابه قول مشهور میان فقهای شیعه) مطرح کرده است. هم‌چنان که در محاج‌اللغه و اساس‌البلاغه آمده، اطراب به‌معنای سبکی‌ای است که در اثر حزن یا شادی شدید به انسان دست می‌دهد که این سبکی را فقها سبکی عقل معنا کرده‌اند. نویسنده متذکر می‌شود که در روایات و آیات قرآن به اطراب و طرب‌آور بودن غناء اشاره‌ای نشده است و منشأ معتبر دانستن قید اطراب، تعریف برخی کتاب‌های لغت از غناء است. حرمت غناء از نظر فقها به این دلیل خواهد بود که طرب‌آور است. به‌عبارت دیگر هر جا که آوازی طرب‌آور باشد، غناست و هر جا عنوان غناء صدق کند، حرمت بر آن مترتب خواهد بود.

قید تشکیل‌دهنده مفهوم غناء و در نتیجه معیاری در حرمت افراد غنا نیست. ضمن آنکه در ادله تشریح حکم غناء اشاره‌ای به طرب‌آور بودن غناء و تعلق حکم به آن به این سبب نشده است. فقها اطراب را شرط صدق عنوان غناء می‌دانند؛ یعنی غناء از آن‌رو که طرب‌آور است، حرام است و آوازی که طرب‌آور نباشد، غنا نیست و در نتیجه حرام نیست.

آنچه موسیقی را لهوی کرده از دو جنبه محتوا و فرم موسیقی، چه سازی و چه آوازی، قابل بررسی است. فرم در موسیقی، برخاسته از عوامل گوناگون مانند ملودی یا آهنگ یا نغمه، ریتم یا ضرباهنگ، پولی‌فونی یا چندصدایی و رنگ یا سازبندی است، که عامل آخر ویژه موسیقی

موافق اوضاع فرهنگی مشهد

دو صد گفته چون نیم کردار نیست...



سعید علمی
ارشد فقه و حقوق ۹۵

در روزهای اخیر اعلام موضع رسمی آیت‌الله علم‌الهدی درباره مخالفت با برگزاری کنسرت در شهر مشهد موجب مجادلات فراوانی در بین گروه‌های مختلف شده است. برخی که همیشه ساز مخالف می‌زنند این کار را مغایر با حیطه اختیارات ایشان ارزیابی و آن‌را مغایر با مسائلی چون استفاده از ظرفیت توریسم مذهبی مشهد معرفی کرده و برخی دیگر که اتفاقاً از دلسوزان و علاقه‌مندان به انقلاب هستند از این موضوع به‌دلیل به فراموشی سپرده‌شدن مطالبات اصلی از دولت در برطرف کردن دغدغه‌های معیشتی مردم و بالتبع پیدا شدن راه فرار برای دولت و حامیانش با مانور دادن بر روی این موضوع انتقاد کرده‌اند! اما آیا پافشاری امام جمعه بر جلوگیری از برگزاری کنسرت در این شهر مسأله‌ای فرعی می‌باشد؟ چرا ایشان در این مسأله تمام آبروی خود را به‌دست گرفته و از موضع خود کوتاه نمی‌آیند؟

برای درک بهتر دلایل نگرانی ایشان که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «امام جمعه‌ی موفق مشهد و امتحان‌داده‌ی دوران‌های دشوار» می‌باشند، مرور مواضع و دغدغه‌های وی در سالیان اخیر می‌تواند به‌درستی ما را به نقطه مطلوب برساند.

نماینده ولی فقیه استان خراسان رضوی در سالیان اخیر محور اصلی اقدامات خود را

در پیگیری معضلات فرهنگی و برطرف کردن دغدغه‌های معیشتی مردم مشهد قرار داده و برای حل این مسائل از ورود به حوزه‌های مختلف ابایی نداشته و ندارند.

به‌عنوان نمونه بر همین اساس است که ایشان جزو اولین معترضان به ساخت‌وسازهای بی‌رویه و گسترده در مشهد بوده و با عنوان اینکه برخی دنیال تبدیل پایتخت معنوی ایران به «کیش مذهبی» هستند، تمام توان خود را برای جلوگیری از این مسأله به‌کار گرفتند و در این میان گذشت زمان نشان داد که این نگرانی آیت‌الله علم‌الهدی کاملاً به‌جا بوده و امروزه چهره شهر مشهد به‌دلیل هجوم سرمایه‌گذاران غریبومی به این شهر که با هدف کسب درآمد به ساختن هتل‌ها و ساختمان‌های گران‌قیمت پرداختند، دستخوش تغییرات جدی شده و از صیغه معنوی مذهبی آن کاسته است.

شوربختانه در سال‌های گذشته، عدم اعتنای مقامات شهری و استانی به پیوست فرهنگی در این توسعه شهری دردی جانکاه‌تر می‌باشد که باعث گردیده چهره این پایتخت معنوی از حالت سابق خراب شده و معماری وحشی مضطرب بی‌نظمی سراسر این حریم مقدس را دربر گیرد.

شاید گروهی این دغدغه را به مخالفت‌کردن با پیشرفت شهر مشهد مرتبط کنند اما نکته قابل تأمل این است که این درآمدزایی فراوان و هجوم سرمایه‌گذاران به این شهر، نتوانسته منافعی که باید برای شهر و مردم آن به ارمغان بیاورد، به‌دنبال داشته باشد، که اگر غیر از این بود نباید

امروز شاهد آن باشیم که در حاشیه شهر مشهد جمعیتی بالغ بر یک‌میلیون‌ودویست هزار نفر در سخت‌ترین شرایط به گذران زندگی مشغول و بهره‌ای از این توسعه نبرده و اکثریت آنها تبدیل به کارگران متمولین غریبومی بشوند!

در این میان برخی افراد نیز می‌کوشند برگزاری کنسرت را به استفاده از ظرفیت مشهد در «توریسم مذهبی» ربط بدهند درحالی‌که این مسأله هیچ ارتباطی با جذب گردشگر ندارد زیرا توریسم مذهبی خصوصیات و شاخصه‌های بسیار متفاوت از توریسم و جذب گردشگری متعارف دارد که این افراد آگاهانه سعی در تحریف و وارونه کردن ماجرا دارند تا در پس نقاب خیرخواهی برای مردم مشهد، بدترین ضربات فرهنگی را به آنها وارد سازند. زیرا هدف اصلی از توریسم مذهبی این است که افراد گردشگر طی آن از اماکن مقدس مذهبی نظیر زیارتگاه‌ها، مقابر، امام‌زاده‌ها و... بازدید کرده و با بهره‌مندی از حضور در اماکن مقدس به تعمیق معارف اسلامی می‌پردازند و در کنار آن رونق این صنعت موجب تحول اقتصادی، کسب درآمد و همچنین اشتغال‌زایی در شهر مبدأ می‌گردد.

حال این مدعیان پاسخ دهند که جایگاه برگزاری یک کنسرت در رشد و ارتقای معنوی گردشگران مذهبی کجاست که به ایجاد رابطه بین این دو مشغول شده‌اند؟ نقش این‌گونه مراسمات در جذب سرمایه و تغییر وضعیت اقتصادی مردم بومی مشهد چقدر می‌تواند مؤثر باشد؟

با توجه به اینکه امروز نتیجه عدم توجه به هشدارهای نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان

درباره جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه در مشهد عیان گردیده و تازه مسئولان به فکر چاره افتاده‌اند، اگر در این زمینه نیز از دغدغه ایشان در حفظ حریم مذهبی و قدسی مشهد حمایت نشود، چه کسی تضمین می‌دهد با توجه به تساهل و تسامح مسئولان مربوطه، در سال‌های آینده شاهد برگزاری مراسمات هنجارشکنانه منافی با همجواری بارگاه امام رضاع) نباشیم؟

برهمن اساس با وجود کم‌کاری و بی‌تدبیری آقایان دولتی، این آیت‌الله علم‌الهدی بوده است که برای محرومیت‌زدایی از مردمی که به حاشیه این شهر پناه آوردند، کار زمین مانده حل مشکلات حاشیه مشهد را به دوش گرفته و پیگیری‌های ایشان موجب گردید رهبر معظم انقلاب دستور ایجاد یک قرارگاه سازندگی ویژه حل مشکلات حاشیه شهر مشهد را صادر فرموده و امروز با گذشت کمتر از دو سال از این مسأله با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برخی نهادهای دیگر تحولات گسترده‌ای در چهره این منطقه ایجاد گردیده است.

در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که راز محبوبیت امروز امام‌جمعه مشهد در میان مردم این شهر، واقعی بودن جایگاه «مردم» و عطش خدمت به آنان در منظومه فکری عملی ایشان است نه مانند مسئولان دولتی که گرچه «مردم-مردم» از زبان آنها نمی‌افتد اما دغدغه‌ای برای حل مشکلات آنان ندارند که به قول حکیم ابوالقاسم فردوسی «دو صد گفتار چو نیم کردار نیست!»

بازگشت به دوران شکوهمند
یک پایان بسته!

به بهانه‌ی اکران «فروشنده»

نیم نگاه ویژه

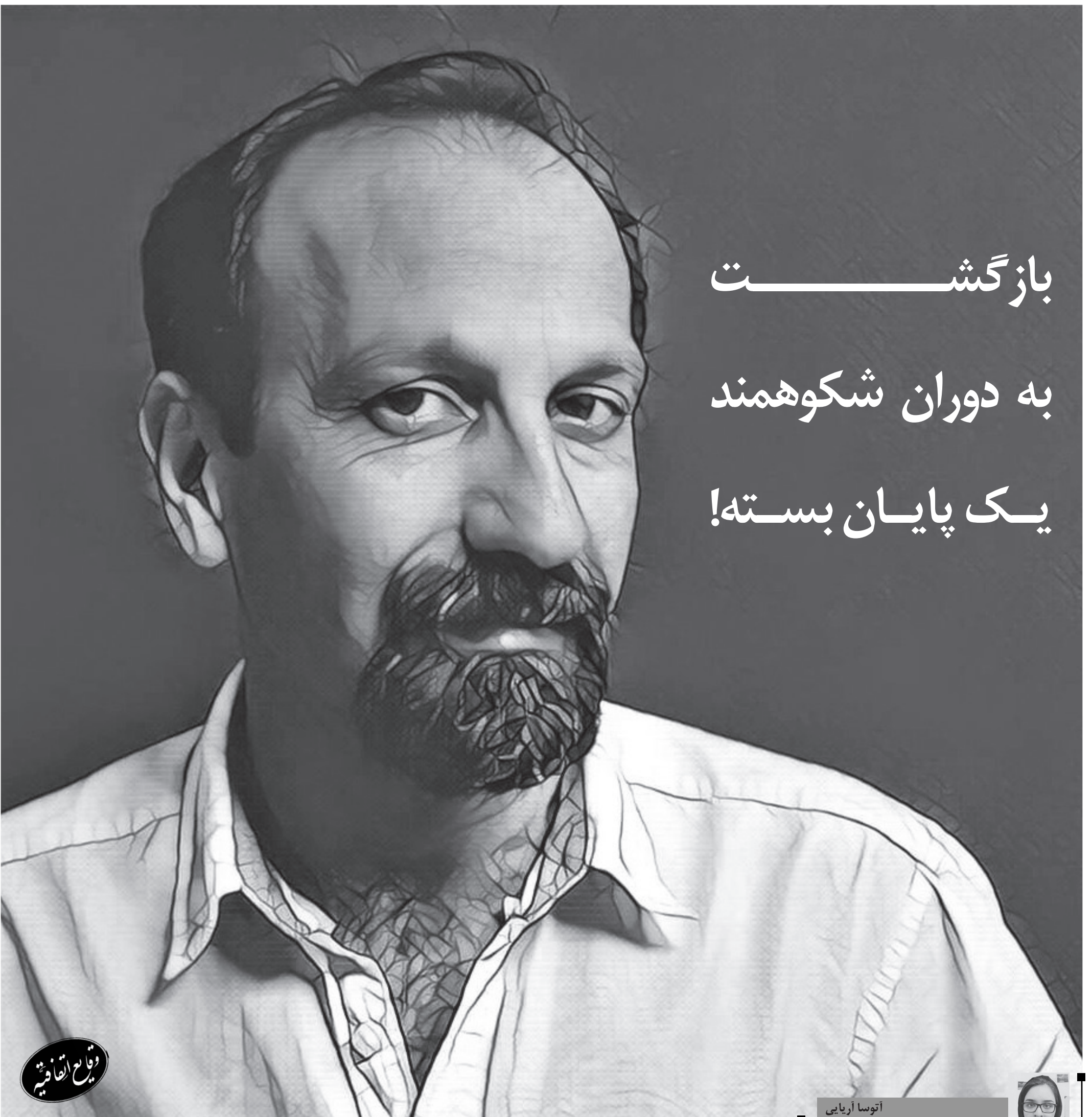
«فروشنده» در فهرست شانس‌های اصلی اسکار ۲۰۱۷



به گزارش وقایع اتفاقیه اسکات فینبرگ تحلیلگر معروف جوایز سینمایی در اولین پیش‌بینی خود از جوایز اسکار ۲۰۱۷ از فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی نام برد. فروشنده در رقابت با چهار فیلم داخلی «ایستاده در غبار» محمدحسین مهدویان، «دختر» سیدرضا میرکریمی، «لانتوری» رضا درمیشیان و «ناهید» آیدا پناهنده نماینده ایران در این فستیوال سینمایی شود.

نیمه اول مهر ۹۵

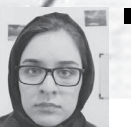
بازگشت به دوران شکوهمند یک پایان بسته!



وقایع اتفاقیه

آتوسا آریایی

کارشناسی روزنامه نگاری ۹۱



چيست؟ بخشش يا انتقام؟ صداقت يا پنهان‌کاری؟ و اینجاست که تفاوت بین آدم‌ها مشخص می‌شود. یکی بخشش را می‌پذیرد و دیگری انتقام را، و این لحظه دشوار انتخاب، همواره مجالی را فراهم کرده که کارگردانان به پایان باز روی بیاورند، کاری که فرهادی با شجاعت در آخرین اثرش از آن پرهیز می‌کند. او با قاطعیت مسیری را به مخاطب عرضه می‌کند که با توجه به جهان‌بینی عرضه شده در فیلم فکر می‌کند صحیح است. و این شجاعت در عرضه یک پایان بسته و قاطع ذره‌ای از ارزش‌های فیلم نمی‌کاهد. باید بازگشت موفقیت‌آمیز فرهادی به روایت یک درام قوی و منسجم با پایانی مشخص را به خودش و سینما تبریک گفت.

کاسته می‌شود. پس از این فیلم حالا با قاطعیت می‌توان گفت فروشنده در راستای خطی که کارگردان به‌درستی از ابتدا درپیش گرفته و با شناختی که از ذهن و روان تماشاگر دارد توانایی این را دارد که هر دم مخاطبش را خواه خاص باشد یا عام، روشنفکر یا سطحی در وضعیت پرسش قرار دهد و حتی لحظه‌ای او را آرام نگذارد. گاهی بعد از تماشای فیلم‌های این کارگردان احساس می‌کنیم همپای او فیلمی را هدایت و کارگردانی کرده‌ایم و به‌همان میزان که او خود را موظف به پاسخگویی به پرسش‌های اخلاقی مطرح‌شده می‌داند، ما هم با این پرسش روبه‌رو شده‌ایم. اینکه کار صحیح

می‌کند و این کمک بایک منجر به حل مسأله جانی در فیلم می‌شود. مخاطبان پیگیر کارهای این کارگردان می‌دانند که حل مسأله جانی در فیلم، پیش‌درآمدی بر ایجاد بحران اصلی است. وضعیتی که می‌توان آن را آرامش پیش از طوفان خواند. درام در فیلم فروشنده به موازات یک نمایشنامه کلاسیک از میلر به‌وسیله پیوندی که کارگردان بین لحظات دشوار و تاریک فیلم با صحنه‌های مشابه در نمایشنامه می‌زند دچار نوعی فاصله‌گذاری و خلا می‌شود، به‌شکلی که در صحنه‌هایی که مخاطب شاهد اجرای نمایشنامه توسط این زوج هست فرصتی می‌یابد تا به آنچه در زندگی واقعی این زوج رخ داده فکر کند و اینجا لحظاتی است که از تنش درام

آنچه فیلم «فروشنده» جدیدترین اثر اصغر فرهادی را جذاب و استثنائی می‌کند، باز هم همان انتخاب و معذوریتی است که او با هنر فیلمسازی‌اش به بیننده عرضه کرده است. معذوریت اخلاقی که منجر به وضعیت انتخاب می‌شود و این‌بار در این فیلم انتخاب بین بخشش و انتقام است. در اولین دقایق فیلم شاهد زندگی آرام یک زوج از طبقه متوسط جامعه هستیم. با مشکلی که چندان هم نمی‌تواند بحران‌زا باشد یعنی ترک برداشتن دیوار خانه و قرار گرفتن آن در معرض خرابی و فروریختن. این موضوع بحرانی نمی‌شود چون به‌سرعت توسط دوست و همکارشان بایک به راه حل می‌رسد. او خانه‌ای را برایشان فراهم

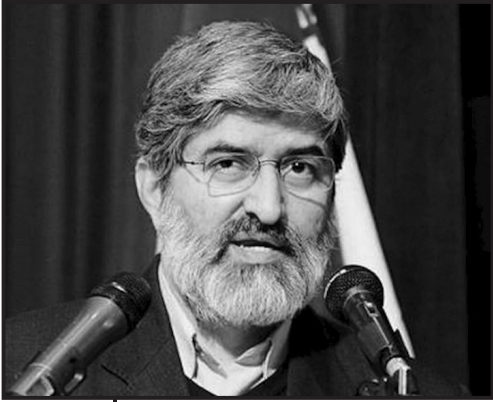
بازگشت به دوران شکوهمند یک پایان بسته!

به بهانه‌ی اکران «فروشنده»

نیم نگاه ویژه

نیمه اول مهر ۹۵

مطهری: نپسندیدم!



به گزارش وقایع اتفاقیه علی مطهری نائب رییس مجلس در یادداشتی اینستاگرامی نوشت: در شب عید غدیر با همسرم به دیدن فیلم «فروشنده» در سینما فرهنگ رفتیم. بازی خوب آقای شهاب حسینی و خانم ترانه علیدوستی قابل تقدیر است اما سوژه فیلم را نپسندیدم. این فیلم چهره خوبی از جامعه ایران نشان نمی‌دهد، لذا انتخاب آن به عنوان نماینده ایران در «اسکار» از سوی بنیاد فارابی، به نظر من انتخاب خوبی نبود اگرچه به انتخاب آنها که معمولاً معیارهای متعددی مانند تکنیک های هنری، جذب مخاطب و رای آوری را در نظر می‌گیرند احترام می‌گذارم.

از فروشنده میلر تا فروشنده فرهادی

می‌کنند اما هیچ کدام با خود نمی‌گویند چرا چنین پیرمردی با این وضعیت جسمانی دست به این عمل شنیع می‌زند و تنها در پاسخ می‌گوید وسوسه شدم! این همان هنر فرهادی است؛ ما را وادار به قضاوت می‌کند و سپس قضاوت‌های ما را به چالش می‌کشد.

«فروشنده» در ادامه تفکر فرهادی است؛ تفکری که اعتقاد دارد انسان‌ها زاده شرایط هستند، شرایط انسان‌ها را فرم می‌دهد و خوی‌های متفاوت آدمی را نمایان می‌کند. شرایطی که منجر به دگردیسی و تغییرات انسان می‌شود. شخصیت‌های فیلم‌های فرهادی نیز خاکستری هستند، نه سیاه و نه سفید، بلکه مجموعه‌ای از نقاط ضعف و قوت که بر سر دوراهی‌های اخلاقی گیر می‌کنند. در آخرین فیلم فرهادی نیز فی‌المثل، عمادی که در نیمه نخست فیلم فردی آرام، متین، منطقی و خونسرد است که به حریم شخصی افراد اهمیت می‌دهد، بعد از حادثه‌ای تلخ در زندگی‌اش به فردی خشمگین و عصبی بدل می‌شود که به حریم خصوصی افراد اهمیتی نمی‌دهد. پایان «فروشنده» نیز نه‌تنها پایان داستان رعنا و عماد نیست بلکه تازه شروع داستان است. حادثه تلخی که در زندگی مشترک آنها رخ داد به‌منزله طوفانی بود که شرایطی جدید ایجاد کرد و آنها را به انسان‌هایی دیگر بدل کرد. به قول هاروکی موراکامی، از طوفان که در آمدی دیگر آن آدمی نخواهی بود که به طوفان با نهادی، معنی طوفان همین است.

فرهادی پس از تجربه نه‌چندان موفق «گذشته» با «فروشنده» بازگشت خوبی داشته است. «فروشنده» در مقابل فیلم‌های گذشته فرهادی، ساده‌تر، روان‌تر و جمع‌وجورتر است و پیچیدگی خاصی ندارد، اما این چیزی از جذابیت و گیرایی آن کم نمی‌کند. نقطه قوت فیلم در فیلمنامه و بازی‌های قدرتمند آن است. البته قاب‌های فیلم نیز به‌شدت چشم‌نواز و بی‌بدیل است و به‌شدت به زیبایی فیلم می‌افزاید. بدون شک «فروشنده» نیز مانند سایر فیلم‌های فرهادی از آثار ماندگار سینمای ایران است و امید آن داریم که «فروشنده» نیز همچون «جدایی» به حق خود برسد.



خدشه‌دار کرده است. عماد در ادامه فیلم در جست‌وجوی فردی است که وارد حریمش شده تا انتقام بگیرد، انتقام‌گیری عماد برایش راهی است تا حس مالکیت و مردانگی‌اش را احیا کند تا بلکه به آرامش برسد. مردانگی عماد برایش بیش از زنانگی همسرش اهمیت پیدا می‌کند و به‌دنبال این است تا حال خویش را با انتقام‌گیری بهبود بخشد نه حال رعنا را و حتی در این مسیر درمقابل همسرش نیز قرار می‌گیرد. تن رعنا است که مورد تعرض قرار گرفته و حق اوست که بگذرد یا نه، اما عماد از او می‌خواهد تا دخالت نکند! شوک دوم فرهادی به تماشاچی زمانی است که متوجه می‌شویم که فرد متعرض به رعنا نه آن جوانی که مورد انتظارمان است بلکه پیرمردی است که حتی در گوشه ذهنمان نیز جایی برای آن باز نکرده‌ایم. ادامه فیلم تقابل عماد با پیرمرد است برای مجازات کردن او؛ مجازاتی که عماد قصد دارد از طریق بی‌آبروکردن پیرمرد درمقابل خانواده‌اش انجام دهد اما با دخالت و اتمام‌حجت رعنا مبنی بر ترک او به سرانجام نمی‌رسد. انتقام عماد و تمام خشم او در سیلی که بر صورت پیرمرد می‌زند، تجلی پیدا می‌کند. تماشاچیان از شوک ضربه عماد ازجا می‌پرند و با او همدلی

رعنا که منتظر همسرش عماد است بدون برداشتن آیفون در را باز می‌کند و این نخستین شوک داستان فرهادی است. عماد که به خانه می‌آید با دیدن لکه‌های خون سراسیمه به سمت واحد خود می‌رود که با حامی خونین مواجه می‌شود. با رفتن به بیمارستان و گفت‌وگو با همسایگان متوجه می‌شود مردی به خانه‌اش وارد و در حمام با همسرش روپرو شده؛ رعنا نیز از ترس خودش را به شیشه حمام کوبانده و سرش ضربه دیده است.

تعرض به رعنا به‌عنوان مهمترین وجه داستان این انتظار را در تماشاچی فیلم ایجاد می‌کند که ادامه فیلم، حالات و احوالات رعنا پس از این حادثه است اما خیلی زود داستان از رعنا آسیدبدیده عبور می‌کند و مهره اصلی قصه عماد می‌شود. درواقع رعنا از حادثه‌ای که بروی حادث شده است کنار گذاشته و به معضلی برای همسرش بدل می‌شود. حادثه تلخ زنانه فیلم با نگاهی مردانه دنبال می‌شود و این موضع دقیق، ناشی از نگاه درست فرهادی نسبت به جامعه ایران است. فیلم بیش از آنکه تصویرگر احساسات رعنا باشد احساسات عماد را ترسیم می‌کند؛ مردی خشمگین به سبب آنکه دیگری وارد حریم وی شده و حس مالکیتش را

علی قدیری
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵

«مرگ فروشنده»، نمایشنامه تحسین‌شده آرتور میلر برای نخستین‌بار در سال ۱۹۴۹ منتشر شد. این اثر داستان ویلی لومان، فروشنده ۶۳ ساله‌ای است که زندگی مشقت‌بارش سرانجام او را به خودکشی وامی‌دارد. مرگ فروشنده زندگی مردی را ترسیم می‌کند که کنترلی بر رویدادهای زندگی ندارد و نمی‌تواند در برابر مسائل و پیش‌آمدهای زندگی مقاومت کند. میلر در این اثر کوشیده است تا رویای آمریکایی، ایده‌ای که در آن دوران همزمان با پیشرفت ایالات متحده آمریکا رشد می‌کرد را به چالش بکشد و همگان را متوجه این امر کند که با تسلط نظام سرمایه‌داری در جامعه مدرن، اخلاقیات گم می‌شود. قریب به هفت دهه پس از نمایشنامه میلر، فرهادی در آخرین اثر خود «فروشنده»، با داستانی موازی همان هدف، یعنی گمشده‌ای به نام اخلاق در جامعه مدرن را جست‌وجو می‌کند. عماد و رعنا زوج داستان فرهادی در فیلم «فروشنده»، بازیگران تئاتر «مرگ فروشنده» آرتور میلر هستند. فرهادی هنرمندانه داستان خودش را با داستان میلر پیوند می‌زند و زندگی دو زوج هرکدام از داستان‌ها را با هم مرتبط می‌کند (فرهادی در فروشنده فقط بخش‌هایی از نمایش میلر را به تصویر می‌کشد که به گفت‌وگوی ویلی لومان و همسرش لیندا می‌پردازد).

اصغر فرهادی در «فروشنده» مانند سایر فیلم‌های خود، برشی از روابط انسانی را در بستر خانواده و جامعه روایت می‌کند اما این‌بار از همان ابتدا، فیلم با حادثه‌ای آغاز می‌شود. خانه عماد و رعنا در اثر گودبرداری غیراستاندارد عملیات ساختمانی مجاور در آستانه فروریختن قرار می‌گیرد. آنها به ناچار مجبور به ترک خانه می‌شوند و این آغاز ماجرا است. رعنا و عماد به پیشنهاد یکی از دوستانشان به‌صورت موقت به خانه او می‌روند، خانه‌ای که هنوز رد پای مستأجر قبلی آن بر در و دیوار خانه باقی است. مستأجر پیشین زنی است که برای گذران زندگی با مردانی رابطه دارد. در یکی از شب‌ها مردی به خیال شب‌های گذشته و غافل از حضور مستأجر جدید به آن خانه می‌رود.

رازهای زنانه رعنا



فائزه سرفرازی
کارشناسی روانشناسی بالینی ۹۳

می‌توان نظام حقوقی کند و قوانین نامناسب و عدم درک اجتماعی و سنگینی نگاه و سخن مردم را علت دانست یا به سمت نظریات روانکاوی رفت و علت را در ناخودآگاه

جست و جو کرد. در قرون وسطی زن عامل پلیدی و شیطان صفت فرض شده است و فریبکاری جزوی از ذات اوست، علتی که در فیلم مستانه هم درنظر گرفته شده و خود زن را عامل این اتفاق دانسته‌اند.

فرضیه دوم قداست‌پنداری است، زن (در قالب مادر) در ناخودآگاه اکثر جوامع فرشته صفت و عاری از هرگونه پلیدی است هنگامی که لکه‌ای بر این تصور در ذهن خود فرد بیفتد، حس بی‌آبرویی و از دست دادن معصومیت را دارد مانند رفتاری که رعنا در فیلم فروشنده داشت. هنگامی که از خانه شما شی‌ای دزدیده شود می‌توانید داد بزنید که فلان کالای من را دزدیده‌اید اما برای قدیسه سخت است داد بزند معصومیتم را ربوده‌اند، خجالت رعنا در برابر همکاران و همسایه‌هایش را نیز می‌توان حاکی از این فرضیه دانست. درمجموع هنوز علتی قطعی و کارشده درباره این موضوع وجود ندارد. ولی فیلم‌های ساخته شده و تحقیقات کلید خورده درباره این مبحث نشان دهنده‌ی چراغ روشنی مبنی بر تلاش درجهت رفع این مشکل است.



یک فیلم ساز تمام عیار



سعید کریم پور
فارغ التحصیل حقوق

فیلمساز همه دوران شناخته می‌شود، یک فیلمساز تمام‌عیار، این است که روح و تکنیک آثار او موجب برانگیختن بسیاری از کارگردانان و چه بسا همه آنان شده است. او البته، رب‌النوع دایمی هر کسی دیگری خواهد بود که فیلمی دلهره‌آور بسازد، اما او همچنان می‌تواند فراتر از آنهایی باشد که حتی کمتر «هیچکافی» محسوب می‌شوند و یک مثال عالی اصغر فرهادی نویسنده و کارگردان استاد ایرانی است. فرهادی درام‌هایی از اختلافات داخلی می‌سازد که درعین حال از گسترش آنچه به شما نشان می‌دهند، خودداری می‌کند؛ آنها صبورانه مشاهده‌گر، صاف و پوست‌کنده خاص، و واقعی هستند. وقتی شما فیلمی از اصغر فرهادی تماشا می‌کنید از «جدایی» و «گذشته» تا فیلم جدیدش «فروشنده»، اغوا می‌شوید. این اغوا تقریباً توسط نوعی حيله‌گری معکوس نامرئی و رفتن به موقعیتی ناتواالیستی پیش می‌رود. درنهایت شما شروع می‌کنید به درک اینکه در یک توفان فراگیر، گیر افتاده‌اید و همه خاک و خاشاک این توفان می‌تواند از افراد روی صحنه نیز منتقل شود.» این فیلم نسبت به آثار قبلی فرهادی روشن و واضح‌تر بیان می‌شود. خود او در مصاحبه‌ای گفته: «هرچه من فیلم به فیلم جلوتر می‌روم، به نظر کارم سخت‌تر می‌شود، چون مخاطبان می‌شناسند که من به چه ترتیب قصه می‌گویم. از این فضا گریزی نیست، مگر آنکه سراغ روایت داستانی بروم که کاملاً از آن دور هستم و با آن غریبه، اگر چنین کنم آنگاه دیگر من نیستم، من تبدیل به فیلمسازی می‌شوم که از ترس و نگرانی لو رفتن این شیوه کار سراغ نوع دیگری از فیلمسازی رفته است. این نوع قصه‌گویی را سلیقه، علاقه و تجربه خودم می‌دانم و در این فضا سعی می‌کنم آن را فیلم به فیلم پخته‌تر کنم. امیدوارم در مورد فیلم فروشنده همانطور که شما می‌گویید این نقاطی که درام را می‌سازند، پخته‌تر و پنهان‌تر باشند.» به هر ترتیب فروشنده اثری فوق‌العاده است که تماشای آن قطعاً تأثیرگذار خواهد بود و می‌توان گفت عمده‌ترین مسأله‌ای که در این فیلم مورد بررسی قرار گرفته، به گفته خود فرهادی بحث حریم خصوصی است.

نظرسنجی معنادار شبکه چهار درباره کنسرت‌ها

چندی پیش برگزاری کنسرت در شهرهای مذهبی موضوع برنامه زاویه شبکه چهار سیما شد. در این برنامه مناظره‌ای در مورد مسائل مطرح شده درباره کنسرت‌ها برگزار شد که چهار نفر (دو نفر موافق و دو نفر مخالف) در مورد بایدها و نبایدهای برگزاری کنسرت، در شهرهای موسوم به مذهبی، بحث کردند و یک نظرسنجی پیامکی هم در این برنامه انجام شد: «به نظر شما برگزاری کنسرت‌ها در شهرهای مذهبی چه پیامدهایی را می‌تواند به همراه داشته باشد؟» برای این نظرسنجی سه گزینه گذاشته شد: گزینه اول: شهر مذهبی را تبدیل به شهر غیرمذهبی می‌کند، گزینه دوم: ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آورد، گزینه سوم: هیچ‌کدام. بلکه می‌شود با مدیریت فرهنگی درست بتوان یک کنسرت سالمی را شاهد باشیم. طبق گفته مجری برنامه بدون یک درصد انحراف ۹۹ و ۳ دهم درصد گزینه سوم انتخاب کرده‌اند. با این حساب به نظر می‌رسد که مردم مخالف برگزار شدن کنسرت در شهرهای مذهبی نیستند و بر این باورند که با مدیریت فرهنگی درست این اتفاق در شهرهای مذهبی هم خواهد افتاد.



حسین وحدتی در مصاحبه با وقایع اتفاقیه:

همچنان به حاصلخیز بودن اقلیم خراسان امیدوارم

امیررضا احتشام نسب
کارشناسی روابط عمومی ۹۴

پیش مصاحبه: حسین وحدتی از سال ۶۹ وارد کارزار تئاتر شده است. بازیگری، نویسندگی و کارگردانی را تعلیم دیده و تعلیم می‌دهد. چهار نمایشنامه و یک دفتر شعر او در آستانه چاپ قرار دارد و هم اکنون دبیر نشست های تخصصی نمایشنامه‌خوانی استان خراسان رضوی (شنبه های خوانش) است. در یک بعدازظهر گرم شهریورماه دعوت ما را پذیرفت و با سعه صدر به پرسش‌های ما پیرامون حال و روز تئاتر پاسخ داد.

- تئاتر مشهد از دیرباز دروازه ای برای معرفی و شکوفایی هنرمندان کشوری بوده است. وضعیت امروز تئاتر مشهد را از لحاظ پرورش استعدادهای جوان چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ببینید بخشی از علل شکوفایی هنرمندان به توانایی های خودشان بستگی دارد و بخشی نیز به سیاست های جاری که البته قبض و بسط پیدا می‌کند. یعنی سیاست هایی که محدود کننده است و یا رهاکننده. من براساس ۳ دهه تجربه‌ای که در عرصه تئاتر داشته ام می‌توانم به شما بگویم هر وقت سیاست‌های جاری تئاتر سلیقه‌ای و مناسبتی بوده، خروجی خوبی نداشته است و حتی باب میل همان کسانی که جشنواره های فرمایشی را تدارک دیده‌اند نبوده‌است. اما هر وقت بستری برای همه سلیقه‌ها فراهم شده تئاتری پویاتر را شاهد بوده‌ایم. البته امروز، سیاست‌های حاکم بر تئاتر مشهد متأثر از شخصیت آدم‌های تئاتری شهرمان نیز است. از طرف دیگر نوع فعالیت ارگان‌هایی نظیر انجمن نمایش، حوزه هنری، ارشاد و یا شهرداری از نگاه حاکم بر آن ارگان در حوزه تئاتر نشأت می‌گیرد. مثلاً هم اکنون در شهرداری مشهد بسترسازی تنها به یک جمع محدود و خاص منتهی شده که نتیجه‌اش عدم حضور تئاتری‌های مشهد در آنجاست و خروجی‌اش هم آثار سفارشی است. اگر انجمن تئاتر مشهد و استان را نیز بررسی کنید درمی‌یابید حاصل کار چندین درخور نام مشهد نیست که نشان‌دهنده یک سری مشکلات است. در مجموع به نظر من سیاست‌های کلان تئاتری بستگی زیادی به شخصیت سیاست‌گذاران دارد. اگر مدیر سازمانی قانونی عمل کند و مشی بزرگوارانه‌ای

مشورتی» به عنوان هیئت بازخوان بررسی کیفی می‌کنند. این مسئولیت یکی دوسالی است که بر عهده‌ی من و چند نفر از دوستان تئاتری است. از دید ما نمایش‌ها باید حداقل‌هایی را از حیث ادبیات نمایشی داشته باشند. از طرف دیگر مواردی که به نظر ما ممکن است مانع اجرا شود به گروه گوشزد می‌کنیم تا تغییرات لازم انجام شود ولی بیشتر تاکید بر کیفیت است که ویژگی‌های اثر خوب باشد.

- با توجه به صحبت های انجام شده آینده تئاتر مشهد را چطور ارزیابی می‌کنید؟
- من پیش گو نیستم که بتوانم سوال به این مهمی را جواب بدهم ولی با توجه به اینکه پتانسیل این شهر بسیار بالا است و خطه، خطه ای هنرمندپرور است من همچنان به حاصلخیز بودن این اقلیم امیدوارم و به اعتقاد من کسانی که سعی می‌کنند فضای فرهنگی شهر را محدود کنند، برعکس، در حال تقویت آن هستند.

مستولان پیگیری می‌شود در حالی که مطالبه عام حمایت از هنرمندان که اتفاقاً دغدغه‌ای سیاسی نیست کماکان روی زمین مانده‌است. امروزه در جهان حمایت از قشر هنرمندان به علت تاثیرگذار بودنش اهمیت ویژه ای دارد اما در کشور ما تنها شاهد خط کردن هنرمندان در آستانه‌ی انتخابات و استفاده تبلیغاتی از آنها هستیم.

- با این اوصافی که شرح دادید روند ارزیابی و نظارت بر تئاتر در مشهد چگونه است؟
- در مورد روند مجوز گرفتن و اجرای یک نمایش باید بگویم ابتدا نمایش توسط یک گروه تئاتری به اداره ارشاد ارائه می‌شود. در صورت کسب مجوز، نمایشنامه قبل از اجرا توسط ارشاد دوباره بازبینی می‌شود که البته موارد معدودی از نمایش‌ها پس از بازبینی اجرایش لغو شده است. طرح خوبی پس از روی کار آمدن آقای صدرا یوسفی به منصب ریاست ارشاد مشهد اجرا شده است که ابتدا متون نمایش را گروهی به عنوان «شورای

داشته باشد مشکلاتی از قبیل نگاه بانندی و سخت‌گیری‌های بیجا بوجود نمی‌آید. به نظرم یک سازمان دیگر هم که می‌توانست خیلی قوی‌تر در عرصه‌ی تئاتر عمل کند جهاد دانشگاهی است که آنچنان که باید و شاید است توانسته ایفای نقش کند.

- آقای وحدتی اگر بخواهیم از سطح مشهد فراتر رویم و سیاست‌های کلان کشور در حوزه تئاتر را بررسی کنیم می‌دانیم که دولت حسن روحانی با شعارهایی مبنی بر اعتماد به هنرمندان و زدودن فضای بسته فرهنگی روی کار آمد. اکنون پس از گذر سه سال از عمر دولت روحانی وضعیت ممیزی و سانسور را نسبت به دوران قبل از روحانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- به نظر من دولت روحانی اصلاً تائیری در باز کردن فضای فرهنگی نداشته و دولت نتوانسته قانونگرایی که یکی از شعارهایش را بوده است عملیاتی کند. متأسفانه دغدغه‌های یک جریان خاص از مجاری قانونی با پشتوانه

مخالف اوضاع فرهنگی مشهد

مروری بر حواشی کنسرت‌ستیزی

محدثه احمدی
کارشناسی شهرسازی ۹۲

در روزهای گذشته کمتر محفل فرهنگی و سیاسی را می‌توان یافت که در آن پیرامون حواشی فرهنگی به‌وجود آمده در مشهد بحث و جدلی رخ نداده باشد. از اصل سخنان امام جمعه مشهد همگی آگاهیم و تنها در این جا به بیان پیامدها و آسیب‌های اظهارات ایشان در ابعاد مختلف می‌پردازیم. چالش برانگیزترین موضوعی که امام جمعه مشهد بر روی آن تأکید داشت موضوع لغو تمامی کنسرت‌ها در مشهد و رعایت حریم امن الهی بود که البته دامن شهرهای اطراف مشهد را هم گرفت هرچند فعلاً روی کاغذ به همت وزیر ارشاد ممنوعیت برگزاری کنسرت در شهرهای مجاور مشهد ملغی شده است.

حال پرسشی که ناخودآگاه مطرح می‌شود این است که آیا با لغو کنسرت‌های قانونی می‌توان شهر را اسلامی و مذهبی نگاه داشت؟ و با عنایت به این که لغو کنسرت در حیطه اختیارات امامت جمعه مشهد نیست و قانون‌گذاری کشور ملزم به اجرای قوانین یکپارچه و عادلانه در تمامی شهرهای کشور است آیا می‌توان آن را یک عمل ضد قوانین رایج و حقوق شهروندی برای مردم مشهد دانست؟

آنچه که مسلم است این است که دستاورد

گردشگری که جناب علم‌الهدی آنها را مرکز عیاشی می‌خوانند مصداق همان پشت‌کردن به دنیا است. همچنین می‌دانیم که مقوله تفریح برای جوان امروزی جزو نیازهای اصلی این قشر است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و عدم توجه به آن ممکن است عوارض اجتماعی و روانی را در پی داشته باشد.

از سوی دیگر می‌دانیم امروزه تمامی کشورها در تلاش برای رسیدن به اقتصاد گردشگری و توریستی هستند و از آن به «اقتصاد پاک» تعبیر می‌کنند. به‌گونه‌ای که بدون درآمد صنعت توریسم، حتی کشورهای بزرگ و صاحب نام صنعتی لیزش اقتصادی را در جامعه خود احساس می‌کنند. به‌همین علت بسیاری از کشورها سعی در بسترسازی هرچه بیشتر این صنعت در کشور خود دارند، آنگاه شهر ما سعی در راندن آنها برای از دست ندادن تصویر مذهبی خود دارد که نتیجه این عمل پایین ماندن سطح توسعه اقتصادی شهر و رکود بازار خواهد شد که این امر نیز خود آسیب جدی اجتماعی به‌همراه خواهد داشت. این در شرایطی است که می‌دانیم بیشتر آسیب‌های اجتماعی منشأ اقتصادی دارند و طبعاً آینده شهر را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. نکته قابل تأمل دیگر این است که همراه کردن واژه «فاسق» کنار نام گردشگرانی که به مشهد می‌آیند بدون وجود هیچ‌گونه مدرکی هم از لحاظ شرعی و هم عرفی دارای اشکال است.



زمینه‌های «سکولاریسم فرهنگی و اجتماعی» خواهد شد که قطعاً با خواسته و تصویر ذهنی آقای علم‌الهدی از مشهد متفاوت است. اگر به این مسئله از دید معرفتی نیز بنگریم، لغو گسترده کنسرت‌ها توجیه‌پذیر نمی‌باشد زیرا در روایات به‌صورت مؤکد آمده است که هیچ مسلمانی اجازه ترک دنیا به بهانه آخرت را ندارد و حذف تمامی مراکز تفریحی و

این عمل تنها منجر به ایجاد شکاف و فاصله میان ایشان و مردم مشهد و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و ایجاد دوگانگی میان فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌شود. مطالعات جامعه‌شناسانه نشان داده زمانی‌که جامعه نسبت به ارزش‌های خود بی‌تفاوت شود به تدریج آن را از مسائل روزمره خود جدا خواهد کرد که این امر موجب پیدایش

فرمانده سپاه امام رضا(ع): در شمال مشهد گرفتاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داریم.



اردیبهشت ماه ۹۵ فرمانده سپاه امام رضا(ع) در یکصد و بیست و یکمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر مشهد در تالار شورا اظهار داشت: درخواست ما از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد این است که در ارتباط با وضعیت فرهنگی شهر مشهد جدی‌تر عمل شود. وی با بیان اینکه اکثر مسئولان از شهر مشهد به عنوان پایتخت معنوی کشور یاد می‌کنند گفت: مسئولان باید توجه کنند که آیا واقعا شرایط فرهنگی موجود در شهر مشهد با نام‌هایی که برای این شهر به کار می‌برند تناسبی دارد. وی خاطر نشان کرد: در شمال مشهد گرفتاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داریم اما در بخش‌های دیگر شهر مشهد مشکلات فرهنگی پنهان داریم و باید فکری برای اینها کرد. سردار نظری عنوان کرد: یکی از دلایلی که در این بخش‌ها ما دچار این چالش‌ها هستیم این است که پایگاه‌های دینی و اعتقادی به عنوان مساجد در این بخش از مشهد کم است. فرمانده سپاه امام رضا(ع) افزود: امروزه در بخش‌هایی مثل سجاد، فرامرز، قاسم آباد و آب و برق نسبت به جمعیت و کالبد شهری میزان و تعداد مساجد بسیار کم بوده و اتفاقات در این مناطق نیز برای ما مثل روز روشن است. وی بیان اینکه نظام مسجد سازی در فرهنگ سازی می‌تواند تاثیر بسزایی داشته باشد گفت: برخی در بحث مسجد سازی بنا دارند تا مساجد دو هزار متری با هزینه های بالا ایجاد کنند. نظری تصریح کرد: دسترسی به مساجد در سطح شهر باید آسان و تعداد مساجد باید افزایش پیدا کند.

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی درایتی در گفتگو با وقایع اتفاقیه:

آیا مشهد از بقیه کشور جداست؟



انتخاباتی است. این قضیه مشکل فقهی ندارد. منظور از «اختلاط مضر» در فقه اختلافی است که به عیاشی منجر شود که خوشبختانه در سالن‌های ما چنین چیزی وجود ندارد و لذا طرح این قضیه که برگزاری کنسرت حاشیه دارد، زیر سوال است. از سوی دیگر بسیار واضح است کسانی که مردم را از امور مباح حرام می‌کنند باعث حرکت آن‌ها به سمت کارهای حرام می‌شوند. اتفاقا باید اینگونه فعالیت‌های فرهنگی در شهر تبلیغ شود و مردم بتوانند از یک کنسرت مشروع، مباح و کنترل شده استفاده کنند و نیازی به زیرزمین و باغ‌های اطراف شهر نیست. ثانیا در اسلام ابتدا راه مشروع را باز می‌کنیم و بعد راه بد را می‌بندیم ولی اینجا انگار قرار است که بر عکس عمل کنیم. اگر مردم شهر را از امکانات مباح دور نگه داریم طبیعتا همه مباح‌ها، منکر می‌شود و تا نگاه عوض نشود زندگی مجاورین حرم مطهر حضرت رضا(ع) با آسیب‌های جدی اجتماعی روبرو است. تئاتر، سینما و کنسرت نه تنها منافاتی با همجواری با حرم مطهر حضرت رضا(ع) ندارد بلکه عین همجواری با آن است و نباید به بهانه شلوغ بودن و حواشی حرام مانع امور مباح شویم.

سردرگمی شوند و نتیجتا واکنش شان نسبت به عکس‌العمل‌های تند و احساسی که قشر سنتی هم آن را نمی‌پسندد افزایش پیدا کرده است. انتظار می‌رود مسئولین با توجه به مشکلاتی که در این شهر وجود دارد راه را برای حل مشکلات هموار کنند نه اینکه کار را به شکلی پیش ببرند که باعث افزایش آسیب‌ها در جوار حضرت امام رضا(ع) شود. وقتی مسئله‌ای در کشور حلال است، برای همه کشور حلال است و ربطی ندارد که کجا انجام خواهد شد. مردم شهر این انتظار را دارند که کسانی که متولی این شهر هستند عمیق‌تر به مشکلات و آسیب‌های این شهر نگاه کنند و مسائل را سطحی ارزیابی نکنند.

اگر بخواهیم کمی بحث را با فوکوس بیشتری نگاه کنیم علت مخالفت با برگزاری کنسرت، حواشی حرام کنسرت‌ها اعلام شده نه خود کنسرت‌ها. به اجمال بفرمایید از دیدگاه فقهی آیا اساسا می‌توان فعل حلالی را به علت تبعات حرامش تعطیل کرد؟

اولا بنده خودم در سالن‌های اجرای موسیقی شرکت کرده‌ام و معتقدم اکثر کنسرت‌ها کنترل شده است و در آن‌ها فقط تشویق و فریاد وجود دارد که بسیار شبیه میتینگ‌های

درباز مدیریت فرهنگی مشهد یک مدیریت مدرن و مطابق واقع نبوده است، به عبارتی یک حالت دوگانه به خود گرفته است. حالت اول این که می‌خواهد وضعیت سنتی خود را داشته باشد و حالت دوم تلقی شبه مدرن از فرهنگ است به عنوان مثال برگزاری کنسرت به صورت مشروط و اینکه برگزاری آن با چه ارزش‌هایی منافات دارد که نتیجه‌اش تحمیل آسیب‌های بیشتر است.

عده‌ای از صاحب نظران سیاسی معتقدند اجرای قوانین ویژه برای شهر مشهد خواسته یا ناخواسته منجر به بروز مفهوم «فدرالیسم» در فضای سیاسی کشور می‌شود که با نص صریح قانون اساسی در تضاد است. نظر شما پیرامون این تحلیل چیست؟

بهتر است از لفظ «ملوک‌الطوایفی» به جای «فدرالیسم» استفاده کنیم! واقعا آیا مشهد از بقیه کشور جداست که قوانینی جداگانه داشته باشد؟ مردمی که می‌خواهند در این شهر زندگی کنند باید بدانند که قانون کشور چیست و این شهر چگونه اداره می‌شود. مسئولین دولتی موظفند فقط از قانون حمایت کنند و رفتارهایی که تاکنون اتفاق افتاده، باعث شده است که مردم دچار

رضا قلندرآبادی
فارغ التحصیل فقه و حقوق



پیش مصاحبه، گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین درایتی فقیه نواندیش و سیاست پیشه مشهدی در منزل شخصی ایشان در اطراف بارگاه حرم مطهر امام رضا(ع) که موسسه‌ای فرهنگی نیز است، انجام شد. در اتاقی مملو از قفسه‌های کتاب منتظر وی بودیم که با یک سینی چای و شیرینی داخل اتاق شد. اندکی گپ زدیم آنگاه وارد بحث و مصاحبه شدیم.

امروز در انتهای تابستان ۹۵ در مشهد شرایط به گونه ای است که فضای فرهنگی شهر حال و روز خوبی ندارد. مشخص ترین نمود آن منع برگزاری کنسرت در شهر مشهد است. تحلیل شما از وضعیت فرهنگی امروز مشهد چیست؟

مشهد نیازمند یک کالبدشکافی جدید است. مشهد امروز گستره زیادی پیدا کرده است. از طرف دیگر می‌دانیم شهری مذهبی و مهاجرپذیر است. بافت شهر هم از لحاظ اجتماعی شکل خاصی پیدا کرده که منجر به چندپارگی فرهنگی شده است. متاسفانه عدم توجه کافی به این چندپارگی فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی بسیار سنگینی را در مشهد ایجاد کرده است. لذا نگاه فرهنگی به این شهر باید یک نگاه منطقی و مطابق با واقعیت باشد که آنچه را که ما در این شهر به عنوان فضای فرهنگی ایجاد می‌کنیم با جمعیت شهر، بافت اجتماعی شهر و زائرینی که به این شهر می‌آیند متناسب باشد.

عملکرد مسئولین استانی و شهری را در این راستا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من مسئولین شاید هیچ توجهی به این قضیه نکرده‌اند. باید بدانیم زندگی مردم این شهر ابعاد مختلفی دارد که نسبت به گذشته تغییر کرده حتی جنس نگاه عموم مردم نسبت به حرم مطهر امام رضا(ع) دیگر مانند نگاه سابق نیست که البته به نظر من این نگاه عمیق‌تر شده است اما مسئولان این مسائل را مدنظر قرار نمی‌دهند و هر کسی که می‌آید با عینک خود به جای سه میلیون نفر، این شهر را نگاه می‌کند لذا باعث شده که نگاه فرهنگی به معنای عام که باید جامعه از آن برخوردار باشد وجود نداشته باشد. در نتیجه بخشی از انگیزه‌های فردی در زمینه های فرهنگی به کارهای زیرزمینی سوق پیدا کند. مدیران باید یک بسط فرهنگی ذهنی نسبت به این شهر داشته باشند و به مجموعه فرهنگی شهر به صورت عام نگاه کنند. متاسفانه از

چه فیلمی دوست دارید؟

گزارش میدانی از اکران فیلم «فروشنده» در پردیس سینمایی هویزه



فریبا قاسم زاده
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۱

برای تماشای فیلم «فروشنده» جدیدترین ساخته اصغر فرهادی که دو جایزه در جشنواره کن به ارمغان آورد و اکنون نیز نماینده ایران در فستیوال اسکار است، به سینما هویزه رفتم و پس از تماشای این فیلم تکان‌دهنده با چند تن از مردم که درحال خروج از سالن بودند مصاحبه گرفتم تا ببینم نظر مردم نسبت به سینما و اختصاصا وضعیت سینماهای مشهد چگونه است. در ادامه متن مصاحبه کوتاه ما با چند شهروند سینما دوست و آقای کریمی مدیر پردیس سینمایی هویزه را می‌خوانید.

یکی از مصاحبه‌شوندگان که خانومی دانش‌آموخته رشته مهندسی صنایع بود، درخصوص میزان استقبال خود از سینما در مشهد اظهار کرد: من هر زمان که با خبر شوم فیلم خوبی بر روی پرده است، به سینما می‌آیم و سنگ ترازوم دوستانی هستند که شناخت خوبی نسبت به سینما دارند و آنها من را راهنمایی می‌کنند تا چه فیلم‌هایی را ببینم. وی در پاسخ به این سؤال که به نظر او چه سینمایی در مشهد مناسب‌تر است گفت: سینما هویزه از لحاظ ساختاری از کیفیت بهتری نسبت به سینماهای دیگر برخوردار است ولی از لحاظ نوع فیلم هیچ تفاوتی با سینماهای دیگر ندارد. وی ادامه داد: ما هنوز نسبت به سینمای جهان بسیار عقب هستیم و البته این درحالی است که نسبت به سال‌های گذشته پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم. این خانم درمورد نحوه گزینش فیلم در بین مردم گفت: با توجه به صحبت‌هایی که امروز در جامعه وجود دارد مردم بیشتر میل به دیدن

فیلم‌های طنز دارند چون خودشان به اندازه کافی درگیر مشکلات هستند و نمی‌خواهند دوباره در سینماها با این مشکلات مواجه شوند. من خودم مخاطب این فیلم‌ها نیستم و از وضعیت دقیق آنها اطلاعی ندارم اما به گفته دوستان من که از سطح فرهنگی بالایی نیز برخوردار هستند این‌گونه فیلم‌ها کیفیت خوبی در ایران ندارند. یکی دیگر از تماشاگران که کارشناس گرافیک بود، عنوان کرد: حدودا هر یکی دو ماه به سینما می‌آیم و معمولا هم ژانر اجتماعی را انتخاب می‌کنم. به‌نظر من این ژانر در ایران پیشرفت‌های خوبی داشته. ژانرهای دیگر به‌ویژه اکشن به‌دلیل نبود جلوه‌های ویژه مناسب در ایران کیفیت خوبی ندارند. وی در مورد سینما هویزه گفت: سینما هویزه از لحاظ کیفیت صدا و تصویر بسیار بالاست. این شهروند مشهدی ادامه داد: از لحاظ نوع فیلم و کیفیت فیلم‌ها در ایران شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم ولی نسبت به سینمای جهان هنوز بسیار عقب هستیم. وی در مورد نحوه انتخاب فیلم برای آمدن به سینما عنوان کرد: اینکه چه شخصی فیلم را کارگردانی کرده است برای من بسیار مهم است چون حتی بازیگران خوب گاهی اوقات برای امرار معاش مجبور به بازی کردن در هر فیلمی هستند که خود از آن راضی نیستند اما کارگردان دست بازتری در تصمیم‌گیری دارد. شخص سومی که با او مصاحبه کردم آقایی بود که خود مدتی در خراسان شمالی مسئول سینمایی بوده و پدرش یکی از سینماهای این استان را اجاره کرده بوده است و به‌همین خاطر به ادعای خود از نزدیک با فضای سینما آشنایی داشته است. وی خاطر نشان کرد: به‌طور معمول در هر ماه دوباره به سینما می‌آیم. فیلم‌های سینمایی

ایران از لحاظ کیفیت بسیار بهتر از قبل شده‌اند. این آقا اضافه کرد: خوشبختانه موضوعات فیلم‌ها بهتر شده‌اند و مخاطبین گزینه‌های بیشتری برای انتخاب دارند. وی در مورد فیلم‌هایی که برای تماشا در سینما انتخاب می‌کند، عنوان کرد: ابتدا درباره فیلم مطالعه می‌کنم. جشنواره‌هایی که در آن شرکت کرده و جوایزی را که برده است، بررسی می‌کنم و بعد درصورت اطمینان از قوی‌بودن اثر برای تماشای آن به سینما می‌آیم. وی درمورد وضعیت سینمای امروز ایران ابراز کرد: با اینکه پیشرفت‌هایی نسبت به گذشته داشته‌ایم ولی به دلیل محدودیت‌هایی که وجود دارد فیلم‌ها هنوز شکل واقعی زندگی مردم را به‌خود نگرفته‌اند و هنوز شمای حقیقی زندگی ایرانیان را آن‌طور که باید نشان نمی‌دهند. متاسفانه در همه ابعاد از سینمای جهان بسیار عقب هستیم اما بخش خصوصی می‌تواند در کمک به حل این مسأله و برطرف‌سازی آن بسیار مؤثر باشد. در انتها سراغ مدیر خوشروی پردیس سینمایی هویزه رفتم. وی در خصوص استقبال از فیلم‌های روی پرده در چند سال اخیر اظهار کرد: در سینما هویزه از سال ۱۳۹۱ که این سینما بازسازی شده ما هر سال سیر صعودی در میزان تماشاگران داشتیم، همچنین در سینماهای آفریقا و قس نیز علاقه مردم در چند سال اخیر به سینما بیشتر شده است و ما شاهد رشد فروش بلیط در گیشه‌ها بوده‌ایم. مهدی کریمی ژانر کم‌دی را جذاب‌ترین ژانر برای مشهدی‌ها دانست و در ادامه اظهار کرد: بیشترین آمار فروش برای فیلم ۵۰ کیلو آلبالو را می‌توان شاهد مثال خوبی برای رغبت مردم نسبت به فیلم‌های این حوزه در نظر گرفت.

همراه با سازمان دانشجویان

با هر یک از روش‌های ذیل می‌توانید از برنامه‌های سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی مطلع شوید:

- تلگرام**: با عضویت در کانال تلگرام سازمان دانشجویان از برگزاری کلیه طرح‌ها مطلع خواهید شد. همچنین می‌توانید پس از برنامه، فیلم و عکس‌های آن را دانلود نمایید. @sdjdir
- اینستاگرام**: با دنبال کردن صفحه اینستاگرام سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی با عنوان @SDJD.ir می‌توانید طرح‌ها را رصد کنید.
- وبسایت**: با مراجعه به سایت سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی می‌توانید از بخش‌های ذیل بهره‌مند شوید: اخبار، پوستر و گزارش طرح‌ها، آرشيو نشریات و ...
- پرتال دانشجویی**: با مراجعه به بخش فرهنگی اجتماعی در پرتال دانشجویی خود و در قسمت درخواست عضویت در شکل‌های دانشگاهی، از تب شکل‌های اسلامی می‌توانید برای عضویت در سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اقدام نمایید.

www.SDJD.ir

آدرس: پردیس دانشگاه فردوسی، سازمان مرکزی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، ساختمان معاونت فرهنگی سازمان دانشجویان



۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی حملات القاعده به امریکا جهان را در شوک فروبرد؛ در این حملات ۲ هواپیمای با برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک و یک هواپیمای پنتاگون و هواپیمایی دیگر با ساختمانی در پنسیلوانیا برخورد کرد و در مجموع ۲ هزار و ۹۹۶ کشته برجای گذاشت. در پی وقوع این انفجارها شمار زیادی عکاس و خبرنگار از سراسر جهان به نیویورک رفتند تا ابعاد مختلف این حادثه را برای جهانیان گزارش کنند؛ «جیمز نچوی» یکی از شناخته شده‌ترین عکاسان مطبوعاتی حال حاضر جهان نیز یکی از همین عکاسان بود. این عکاس امریکایی که به دلیل حضور دائم‌اش در مناطق خطرناک و درگیر جنگ در سال‌های آخر قرن بیستم و چاپ عکس‌هایش در تیراژهای وسیع در معتبرترین نشریات و رسانه‌های جهان است شهرتی عالمگیر دارد اتفاقاً روز حادثه در نیویورک بود. نچوی از زمان شروع کار عکاسی حرفه‌ای از سال ۱۹۷۶ جنگ و خون‌ریزی در اروپای شرقی، عراق، ایرلند شمالی و آفریقای جنوبی را پوشش تصویری داده بود اما در ۱۱ سپتامبر برای اولین بار چنین مناظری را در کشور خودش عکاسی می‌کرد.

شهر ما

سودا باقری (دبیر سرویس عکاسخانه)
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



در این شماره متناسب با موضوع نگاه ویژه این شماره، نگاه دوربین خود را به سوی شهرمان انداختیم و سوژه‌های مختلفی را شکار کردیم. با تشکر از دوست خوبم شمیم مصطفی زاده که فراخور هر عکس، متنی زیبا را فراهم کرد. با توجه به تعدد عکس‌های دریافتی و کمبود فضا در نشریه مجبور شدیم دست به انتخاب بزنیم و عکس‌های برتر را برگزینیم اما کلیه عکس‌ها در پیج اینستاگرام نشریه (vaghaye.mag) و کانال تلگرام (@vaghayemagz) منتشر خواهند شد.



شمیم مصطفی زاده (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲)

این بار دلم را به گلدسته‌هایت دخیل می‌بندم شاید جای پای،
بال پروازم دهی



سودا باقری (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴)

چه حالست دم غروب در جوار ثامن‌الائمه؟ از کجایش می‌توان
حرف زد؟ کیوترانه یا صدای نقاره‌خانه؟ با عکس حرم نیز
می‌توان با امام رئوف درد دل کرد



محمدحسین سمندری (کارشناسی مهندسی آب ۹۴)

زور دارد که بینم همه رفتند حرم



شمیم مصطفی زاده (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲)

نیکو شاعر نیک‌صفت در شهرمان



محمدحسین سمندری (کارشناسی مهندسی آب ۹۴)

دردمند از کوچه دلدار می‌آییم ما
آه کز دارالشفای بیمار می‌آییم ما
(واقف هندی)



محمدحسین سمندری (کارشناسی مهندسی آب ۹۴)

هی می‌گذرد...



سودا باقری (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴)

کاش بودم چون کتابی افتاده در کنجی خموش
تا نگردد روبه‌رو جز مردم دانا مرا
(قدسی مشهدی)



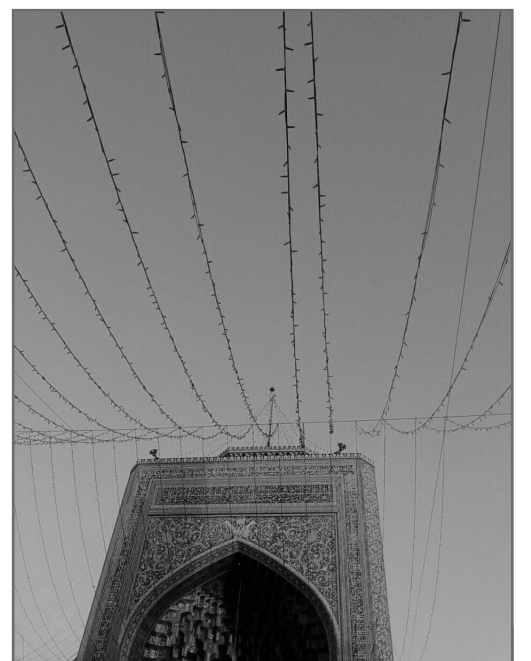
شمیم مصطفی زاده (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲)

طنین عشق برآید ز گنبد دوار
ز عشق، چرخ فلک بی‌صدا نخواهد شد
(صافی)



محمدحسین سمندری (کارشناسی مهندسی آب ۹۴)

هزار تکه شد نور در پس گذرگاه‌های
شهر بهشت



فرزانه خروشی (کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴)

سر منزل عشق است حریم حرم بار

هیئت تحریریه: سرویس خبرنگار: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد محبی، سهراب شریفی، محدثه احمدی، فرنام شکیبافر، علی میری، مسعود همدیمان، سرویس دارالفنون: فریبا قاسم زاده (دبیر سرویس)، پریسا فتاحی، بهار ابراهیمی، مریم رضازاده، بهنام غلامی، فرناز محمدیان، زهرا کریمی، سینا سهیلی فر، فاطمه نصیرایی، سرویس سینمایی: آتوسا آریایی (دبیر سرویس)، نیلوفر عادل، سارا شجاع، سجاد عمران، سجاد ناصری، فائزه سرفرازی، مهدی میلانی راد، سرویس ادبی: غزل عرفانی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، داوود شالفروشان، محدثه هادی نژاد، مهشاد هاشمی، غزل طهماسبی، هادی قنبری، هاجر رضائی، مرتضی نادری سرویس موسیقی: حمیدرضا علیمردانی (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری



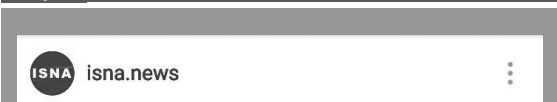
باشگاه

مخاطبان



کافه تریا

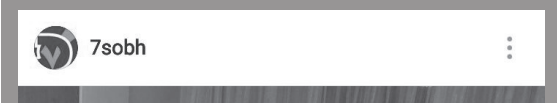
در حوالی اینستاگرام



تصویری جالب از ثبت نام اینترنتی دکتر روحانی در سرشماری نفوس در صفحه اینستاگرام ایسنا. ۲۵ هزار نفر فالور این صفحه هستند.



سالار عقیلی با انتشار تصویر بالا در صفحه خود تولد استاد شجریان را شاد باش گفت. این خواننده موسیقی سنتی کشورمان در اینستاگرام ۱۰۳ هزار نفر دوستدار دارد.



علیرضا منصوریان و مهدی رحمتی در کنار پیشکسوت تیم استقلال منصور پورحیدری که این روزها در بیمارستان بستری است. صفحه روزنامه هفت صبح در اینستاگرام ۴۰ هزار نفر علاقه‌مند دارد.



«نقطه‌ی پایان» عنوان طرح جدید هادی حیدری درباره خداحافظی احمدی‌نژاد از عرصه سیاست است. ۳۳ هزار نفر هادی حیدری را در اینستاگرام دنبال می‌کنند.

آلبوم خود را با اشاره به این اتفاق در زندگی‌اش نامگذاری کند. سی‌سالگی مجموعه‌های عاشقانه از ترانه‌های روزبه بمانی، افشین یدلهمی و زهرا عاملی است. با آهنگ‌های علیرضا افکاری و تنظیم بی‌نظیر هومن نامداری. قطعه‌های اول این آلبوم که «سی‌سالگی» نام دارد، ترانه‌ای از روزبه بمانی ست که اشاره به تحولاتی که بعد از تولد فرزندش در زندگی خود احساس کرده دارد.

دیگر قطعات آلبوم به‌ترتیب «آخر همون شد»، «یسه روزی میاد»، «جاذبه»، «جاده‌ای که ساخته بودم»، «بی‌تفاوت»، «نفس»، «آرزو کن»، «بعد تو»، «کاری کردی»، «درد عمیق» نام دارند.

اگر به وبسایت‌ها و صفحات مجازی مختلف مراجعه کنید و نظرات کاربران را نگاهی بیاندازید متوجه می‌شوید آلبوم «سی‌سالگی» آنچنان که باید و شاید خواسته‌های طرفداران احسان را برآورده نکرده و اکثر آنان دنبال تکرار موفقیت‌های آلبوم «عاشقانه‌ها» بودند، شاید بتوان این موضوع را به تازه انتشار بودن آلبوم مرتبط دانست اما خیلی از گلایه‌های مردم به‌خاطر تکراری بودن ترانه‌های «روزبه بمانی» و تنظیم‌های «هومن نامداری» بود؛ با این حال نظرات خیلی از کارشناسان نسبت به این آلبوم مثبت بود.



را با صدایش آشنا کرد. در سال ۸۷ احسان آلبوم چهارم خود را به نام «فصل تازه» روانه بازار کرد و با وجود سن پایین‌تر خود نسبت به دیگر خوانندگان هم‌رده‌ی خود در آن زمان توانست جایگاه خود را هم در موسیقی حرفه‌ای و هم در قلب مردم حفظ کند. ترانه‌های خوب این آلبوم به قلم افشین یدلهمی و مونا برزویی نوشته شده بود. «یه خاطره از فردا» عنوان آلبوم بعدی خواجه‌امیری بود. همکاری خواجه امیری در آهنگسازی قطعات این آلبوم با سیروان خسروی خواننده و آهنگساز معتبر کشورمان و هومن نامداری نوازنده‌ی گروه احسان، حس‌وحالی تازه به کارهای او بخشید. آلبوم بعدی وی «عاشقانه‌ها» نام داشت. بارزترین شاخصه‌ی این آلبوم، شکل‌گیری یک همکاری موفق بین صدای احسان، ترانه‌های روزبه بمانی، ملودی‌های علیرضا افکاری و تنظیم هومن نامداری بود؛ بعد از عاشقانه‌ها احسان که به خواننده تراز اول کشور تبدیل شده بود آلبوم «پاییز تنهایی» را روانه بازار کرد که ادامه همکاری‌های او با نامداری، افکاری و بمانی بود؛ اما شهریور سال ۹۵ احسان آلبوم «سی‌سالگی» خود را منتشر کرد. تولد اولین فرزند او بهانه‌ای بود تا خواجه‌امیری آخرین

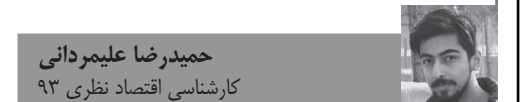
بیلبارد

انسان‌های آزاده‌اند که سوگند خورده‌اند سلطه دیکتاتور را نپذیرند و کسانی که «نان و نمک گرگ را چه ترش و چه شیرین، پخته و پوشیده با سس‌هایی که فقط خدا از ماهیت آن خبر دارد» می‌خورند، همان وابستگان حکومت دیکتاتوری آن زمان‌اند. هر یک از سیزده فصل کتاب از زبان یکی از شخصیت‌ها، به‌صورت اول شخص، روایت می‌شود. بل با این نوع متفاوت از روایت، به مخاطب فرصت می‌دهد تا با کندوکاو در میان خاطرات راوی‌ها داستان را بیابد و این همان لذتی‌ست که بسیاری از ما، در مطالعه به‌دنبال آن هستیم. خلاصه این شما و این پیچیده‌ترین اثر هاینریش بل!

معرفی کتاب

می‌غلتند، سال‌ها تکه پاره می‌شدند، دهه‌ها روی هم انبار می‌شدند و این صداهای آرام ساعت، نایه‌ها را هم به خدمت ابدیت می‌گماشت.» داستان در روز ششم سپتامبر سال ۱۹۵۸ اتفاق می‌افتد. بزرگ خانواده، هاینریش فمفل، با ساختن کلیسای در پیام جوانی‌اش، جایگاه اجتماعی و کاری ویژه‌ای در میان مردم می‌یابد، پسرش رابرت آن‌را ویران می‌کند و نوه‌اش یوزف، درصدد بازسازی همان کلیسا برمی‌آید. به گفته‌ی مترجم، با خانواده‌ای روبه‌رو هستیم که هنوز در برابر پرسش «ساختن یا ویران کردن»، به پاسخی قطعی نرسیده است. در کتاب، با دو دسته انسان مواجه می‌شویم. دسته‌ی بره‌ها و دسته‌ی کسانی که سر سفره گرگ نشسته‌اند و دست راستشان پر از رشوه است. بره‌ها،

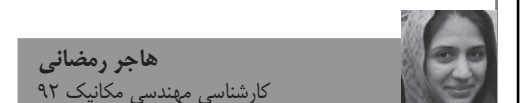
معرفی آلبوم



«همیشه نگاه به پشت سر، واسم مجموعه‌ای از تصاویر تلخ و شیرین و پر از فراز و نشیب هر اولین باری واسم کلی خاطرست مثل اولین روز مدرسه، اولین عشق، اولین آهنگی که ساختم، اول باری که صدام پخش شد.»

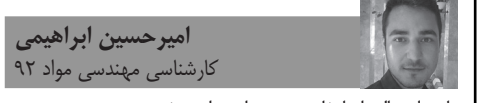
سی‌سال از همه اون فصل‌های سرد و گرم زندگی‌م گذشت تا اینکه اومدی تا بره فصل دیوونگی، شدی آرامش کل این زندگی و این تولد تحول دوباره لحظه‌های عاشقیه واسم. احسان خواجه‌امیری ابتدا با آلبوم مشترکی که با پدرش، حسین خواجه‌امیری منتشر کرده بود وارد بازار حرفه‌ای موسیقی شد ابتدا این گمان می‌رفت که شهرت نسبی ناشی از انتشار این آلبوم به واسطه‌ی محبوبیت پدرش در میان مردم ایران است، اما احسان با انتشار آلبوم‌های بعدی خود این فکر را از ذهن مردم پاک کرد. آلبوم‌های «برای اولین بار» و «سلام آخر» با ترانه‌های قدرتمند افشین یدلهمی شهرت خواجه‌امیری را تثبیت کرد و حضورش در تیزر سربال‌های پربیننده گوش‌های بسیاری از مردم

معرفی کتاب



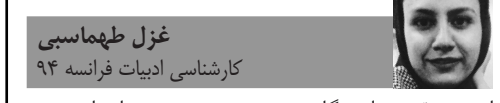
نام کتاب: بیلبارد در ساعت نونیم نویسنده: هاینریش بل مترجم: کیباکوس جهانداری - انتشارات ماهی تعداد صفحات: ۳۲۵ شماره راهنمای کنگره در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه فردوسی: PT ۲۶۶۵/۹۶ «سفید بر زمینه‌ی سبز، قرمز بر زمینه‌ی سبز؛ یک نوع موسیقی بی‌نغمه، نقاشی‌ای بدون تصویر؛ گلوله‌ها

متن ادبی



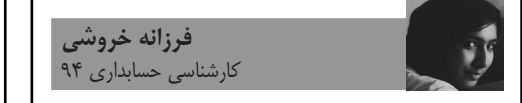
پاییز امسال را عارفانه به پیشواز خواهم رفت نه با گرما و شور آتشین یک عشق و نه با قلبی به سرمای زمستان آری، پاییز امسال را عارفانه به پیشواز خواهم رفت برای بوییدن هر برگ زرد و نارنجی‌رنگ درخت سپیدار یا سروی بلندقامت، به قلبی عارف، به ذهنی آرام. نیاز است قلب عاشق پر از حس آتشین است و زشت و زیبا را به لطافت نسیم بهار می‌بیند نه، من به ذهنی عارفه نیاز دارم تا بتوانم ثابته‌نانه پاییز را همراه با آن حس غم‌آلود و هوای ابری نمناکش، با تمام روح چشم غروب دل‌تنگ پاییز با آن آسمان سرد و نارنجی‌رنگ شب‌هایش برای قلب افسرده و یخ‌زده، یادآور هیچ عاشقانه و خاطره مبهوت‌کننده‌ی نیست و برای قلب عاشق، تداعی‌کننده‌ی تمام شعرهای حافظ و سعدی و مولاناست نه، من به روحی عارفه نیاز دارم، تا بتوانم پاییز را با تمام سرما و دل‌مردگی و فکرهای مغشوش و درهم‌کننده‌اش، درک کنم و سبز و جوان آن‌را پشت سر بگذارم، آری، پاییز امسال را به پیشواز خواهم رفت، با قلبی پر از عاطفه، پر از عارفه...

متن ادبی



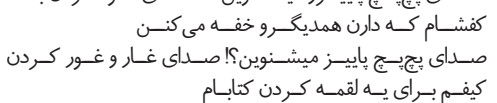
امروز وقتی دانشگاهم دیر شده بود؛ سراب اتوبوس می‌دیدم... وقتی داخل اتوبوس شدم؛ آشنایی مهربان مرا به بلیطی مهمان کرد... داخل اتوبوس؛ پی سراب لبخند وقتی لقمه‌ی ماستم تمام شد؛ ماست‌های باقیمانده‌ی آخر لقمه؛ مرا به شیطنتی جالب مهمان کرد. یکی از اطرافیانم در اتوبوس صبحانه نخورده بود... جایم را عوض کردم... این بار بوی خوش بغل دست‌ام مرا مهمان لذت کرد. این روزها هوا بوی کرین می‌دهد؛ دیدن کوه‌هایی که کل روز نادیدنی هستند مرا به هیجان مهمان کرد... کلاس مهم اول صبح دیر شده بود؛ پیاده‌روی اجباری هرروزه؛ مرا به بی‌خیالی مهمان کرد... دوییدن‌های مکرر دیگران برای سروقت رسیدن به کلاس مرا به استرس مهمان کرد... اما بعد، جایش را با شانه بالا انداختن عوض کرد! به کلاس درس رسیدم؛ یک لبخند تأسّف‌برانگیز گرفتم و یک لبخند شرمنده تحویل دادم... و صبح امروز تمام شد... می‌توانستم تأخیر اتوبوس و بلیط نداشتن و ماست ماسیده‌ی کنار لبم را بدشانسی قلمداد کنم... اما مگر پیاده‌روی اجباری هرروز به‌همراه یک آهنگ شاد و هوای پاک؛ خوشبختی را توجیه نمی‌کند؟! ...

شعر



در مسیر چرخش افکار من... در مسیر چرخش یک دوره‌گرد... در میان کوجه‌های بی‌نشان... سوز سرما... لرزش دستان مرد... در عبور حس پنهان نگاه... در تمام کودکی‌های شلوغ بی‌سرانجام سفرهایش شده؛ قصه‌های خسته از جنس دروغ شهر از آدم لبریز و بنی‌آدم کجاست... صورتک‌های خموش و بی‌ریا در میان صورتک‌ها گم شده... آری آن لبخند تلخ بی‌صدا می‌برم فانوس خود در شهر تا... گم شود تاریکی مطلق در آن می‌کشم افسار آن باور که شد... باور این مرد در آن نیمه‌جان گیج و مبهوتم برای لحظه‌ای... ساکت و آرام... اما پر ز درد... خیره بر چشمان خسته مانده‌ام... آری آن چشمان خیس دوره‌گرد... او که هر دم طاقتش هم تاب شد... آرزوهایش به رنگ خواب شد او که در شهری میان مردمان... می‌کند نجوا از اعماق جان می‌زند آرام با آن نی‌لیک... داد و فریاد دلش را بی‌امان می‌رسد آخر همان روزی که او... می‌شود از چنگ بی‌رحمان رها خانه‌های خالی شهر دلش... می‌شود پر از کلاغ روسیاه آخر این مرد غریب شعر من... دردهایش را گره داده به ساز ساز او... نجوای او... آهنگ او می‌کند هر دم فرودی بی‌فراز می‌گشاید قفل‌های بسته را... از تمام شهر از خسته‌دلان... می‌زند آواز خود را او ولی... دوره‌گردی می‌کند در داستان...

متن ادبی



صدای پیچ پاییز تو شعری نغز حافظ شیرازی در طی چله شب‌ها صدای پیچ پاییزو میشنونیم؟! صدای دعا کردن بند کفشام که دارن همدیگرو خفه می‌کنن صدای پیچ پاییز میشنونیم؟! صدای غار و غور کردن کیفم برای یه لقمه کردن کتابام صدای پیچ پاییز... صدای لشتیاق گج در نقش‌بندی نگاره‌های ذهنمان صدای پیچ پاییزوشنیدین! ...

شعر



صدای پیچ پاییز در رخسار زیبای شبانه‌برگ‌های تنهایی صدای پیچ پاییز در لالایی‌های باد برای کودکان خشکیده‌ی درخت صدای پیچ پاییز در شیرینی تک‌تک لحظه‌های اناری ...